



مطالعه جامعه‌شناختی رابطه میان شبکه‌های اجتماعی واقعی و گرایش به جرم و بزهکاری در میان شهروندان شهرستان‌های پاوه، روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی

نخسینه فتاحی^۱، حسین دهقان^۲، فیض‌الله نورزوی^۱

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: dehقان@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی واقعی با گرایش به جرم و بزهکاری با تأکید بر نقش میانجی سازه‌های اجتماعی و روان‌شناختی در میان شهروندان شهرستان‌های پاوه، روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی انجام شد. این پژوهش کمی با طرح پیمایشی مقطعی در میان شهروندان بالای ۱۸ سال چهار شهرستان پاوه، روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی انجام شد. حجم نمونه اولیه با فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد؛ باین‌حال، پس از گردآوری ۵۴۸ پرسشنامه و حذف ۴۸ پرسشنامه دارای داده مفقوده، تحلیل نهایی بر اساس داده‌های ۵۰۰ پاسخگو انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای شامل ۲۳۱ گویه بود که سازه‌های احساس تنهایی، اعتماد اجتماعی، انزوای اجتماعی، انسجام اجتماعی، گرایش به جرم و بزهکاری، حمایت اجتماعی، دینداری، فردگرایی، نشاط اجتماعی، هم‌رنگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کرد. تحلیل داده‌ها با مدل‌یابی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی انجام شد. پایایی و روایی سازه‌ها از طریق آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، میانگین واریانس استخراج‌شده، بارهای عاملی و نسبت HTMT بررسی و تأیید شد. نتایج مدل ساختاری نشان داد احساس تنهایی ($\beta=0.121, p=0.003$)، انزوای اجتماعی ($\beta=0.112, p=0.003$) و فردگرایی ($\beta=0.067, p=0.017$) با گرایش به جرم و بزهکاری رابطه مثبت و معنادار داشتند؛ در مقابل، اعتماد اجتماعی ($\beta=-0.116, p=0.001$)، انسجام اجتماعی ($\beta=-0.131, p=0.001$)، حمایت اجتماعی ($\beta=-0.075, p=0.022$)، دینداری ($\beta=-0.081, p=0.020$)، سرمایه اجتماعی ($\beta=-0.087, p=0.021$)، نشاط اجتماعی ($\beta=-0.075, p=0.045$) و هم‌رنگی اجتماعی ($\beta=-0.075, p=0.025$) اثر منفی و معناداری نشان دادند. احساس تنهایی بر انزوای اجتماعی ($\beta=0.642$)، اعتماد اجتماعی بر سرمایه اجتماعی ($\beta=0.642$)، حمایت اجتماعی بر نشاط اجتماعی ($\beta=0.575$) و دینداری بر انسجام اجتماعی ($\beta=0.570$) اثر مثبت و معنادار داشتند (همگی $p=0.001$). مدل ۷۳.۱ درصد از واریانس گرایش به جرم و بزهکاری را تبیین کرد ($R^2=0.731$; R^2 تعدیل‌شده=۰.۷۲۵) و از ۲۱ فرضیه، ۱۸ فرضیه تأیید شد. یافته‌ها نشان می‌دهد گرایش به جرم و بزهکاری در مناطق مورد مطالعه به‌طور قابل‌توجهی با کیفیت پیوندهای اجتماعی مرتبط است؛ به‌گونه‌ای که تقویت اعتماد، انسجام، حمایت و سرمایه اجتماعی و کاهش احساس تنهایی و انزوای اجتماعی می‌تواند مبنایی مؤثر برای طراحی سیاست‌های پیشگیری اجتماعی از جرم باشد.

کلیدواژه‌گان: شبکه‌های اجتماعی واقعی، گرایش به جرم و بزهکاری، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس تنهایی، انزوای اجتماعی، مدل‌یابی معادلات ساختاری

تاریخ ارسال: ۷ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۲۳ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۰ مهر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۵



How to cite: Fattahi, N., Dehghan, H., & Norouzi, F. (2026). A Sociological Study of the Relationship between Real Social Networks and Tendency toward Crime and Delinquency among Citizens of Paveh, Ravansar, Javanrud, and Salas-e Babajani Counties. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(5), 1-23.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

A Sociological Study of the Relationship between Real Social Networks and Tendency toward Crime and Delinquency among Citizens of Paveh, Ravansar, Javanrud, and Salas-e Babajani Counties

Nakhshineh Fattahi¹, Hossein Dehghan^{1*}, Feizollah Norouzi¹

1. Department of Sociology, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: dehgan@iau.ac.ir

Abstract

This study aimed to investigate the relationship between real social networks and tendency toward crime and delinquency, with particular emphasis on the mediating roles of social and psychological constructs among citizens of Paveh, Ravansar, Javanrud, and Salas-e Babajani counties. This quantitative cross-sectional survey was conducted among citizens aged over 18 years in the four counties. The initial sample size was estimated at 384 using Cochran's formula; however, after collecting 548 questionnaires and excluding 48 cases with missing data, the final analysis was performed on 500 complete questionnaires. Data were collected using a researcher-developed 231-item questionnaire measuring loneliness, social trust, social isolation, social cohesion, tendency toward crime and delinquency, social support, religiosity, individualism, social vitality, social conformity, and social capital. Data were analyzed using partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). Construct reliability and validity were confirmed using Cronbach's alpha, composite reliability, average variance extracted, factor loadings, and the heterotrait-monotrait ratio. Loneliness ($\beta=0.121$, $p=0.003$), social isolation ($\beta=0.112$, $p=0.003$), and individualism ($\beta=0.067$, $p=0.017$) had significant positive effects on tendency toward crime and delinquency. In contrast, social trust ($\beta=-0.116$, $p=0.001$), social cohesion ($\beta=-0.131$, $p=0.001$), social support ($\beta=-0.075$, $p=0.022$), religiosity ($\beta=-0.081$, $p=0.020$), social capital ($\beta=-0.087$, $p=0.021$), social vitality ($\beta=-0.075$, $p=0.045$), and social conformity ($\beta=-0.075$, $p=0.025$) showed significant negative effects. Significant positive pathways were also observed from loneliness to social isolation ($\beta=0.642$), social trust to social capital ($\beta=0.684$), social support to social vitality ($\beta=0.575$), and religiosity to social cohesion ($\beta=0.570$; all $p=0.001$). The structural model explained 73.1% of the variance in tendency toward crime and delinquency ($R^2=0.731$; adjusted $R^2=0.725$), and 18 of the 21 hypotheses were supported. The findings indicate that tendency toward crime and delinquency is strongly associated with the quality of social bonds; therefore, strengthening social trust, cohesion, support, and social capital while reducing loneliness and social isolation may provide an effective foundation for social crime-prevention policies.

Keywords: Real Social Networks, Tendency toward Crime and Delinquency, Social Capital, Social Trust, Loneliness, Social Isolation, Structural Equation Modeling

Submit Date: 27 April 2026

Revise Date: 14 September 2026

Accept Date: 23 September 2026

Initial Publish: 12 October 2026

Final Publish: 22 December 2026

جرم و بزهکاری از مهم‌ترین مسائل اجتماعی جوامع معاصر به شمار می‌آیند و مطالعه آن‌ها همواره در کانون توجه جامعه‌شناسی انحرافات، جرم‌شناسی اجتماعی و مطالعات نظم اجتماعی قرار داشته است. برخلاف رویکردهایی که رفتار مجرمانه را صرفاً به ویژگی‌های فردی، زیستی یا روان‌شناختی نسبت می‌دهند، دیدگاه جامعه‌شناختی بر این فرض استوار است که وقوع و گسترش جرم را باید در بستر روابط، ساختارها، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی مطالعه کرد. از این منظر، انحراف اجتماعی نه پدیده‌ای منفک از جامعه، بلکه محصول نوع خاصی از رابطه فرد با ساخت اجتماعی است و تغییر در میزان انسجام، اعتماد، تعلق، حمایت و کنترل اجتماعی می‌تواند احتمال بروز رفتارهای انحرافی را افزایش یا کاهش دهد (Mohseni, 2019). ستوده نیز آسیب‌های اجتماعی را نتیجه تعامل پیچیده میان شرایط فردی و زمینه‌های اجتماعی می‌داند و تأکید می‌کند که درک بزهکاری بدون توجه به محیط اجتماعی، خانواده، گروه همسالان و نظام هنجاری جامعه ناقص خواهد بود (Sotoudeh, 2014). در همین راستا، چلبی نظم اجتماعی را نه صرفاً حاصل الزام رسمی، بلکه نتیجه درهم‌تنیدگی روابط، هنجارها، تعهدات متقابل و سازوکارهای کنترل غیررسمی می‌داند؛ سازوکارهایی که در صورت تضعیف، ظرفیت جامعه برای تنظیم رفتار اعضای خود کاهش می‌یابد (Chalabi, 2013). بنابراین، بررسی بزهکاری در سطح اجتماعی مستلزم عبور از تبیین‌های تک‌عاملی و توجه هم‌زمان به کیفیت پیوندهای اجتماعی، ساختار شبکه‌های واقعی و چگونگی ادغام افراد در محیط‌های اجتماعی است.

مبانی نظری چنین رویکردی را می‌توان در سنت کلاسیک جامعه‌شناسی و به‌ویژه در آثار دورکیم جست‌وجو کرد. دورکیم در تبیین تقسیم کار اجتماعی، پیوند میان انسجام، وجدان جمعی و نظم اجتماعی را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که جامعه زمانی می‌تواند رفتار افراد را در چارچوب قواعد مشترک تنظیم کند که میان اعضای آن نوعی پیوند اخلاقی و اجتماعی پایدار وجود داشته باشد (Durkheim, 2014). تضعیف این پیوندها، فرسایش قواعد مشترک و کاهش قدرت تنظیم‌کنندگی نهادهای اجتماعی می‌تواند زمینه شکل‌گیری وضعیت‌های آنومیک را فراهم سازد؛ وضعیتی که در آن فرد از مرجعیت هنجارهای مشترک فاصله گرفته و احتمال انحراف از قواعد پذیرفته‌شده افزایش می‌یابد. در سطح روش‌شناختی نیز دورکیم بر ضرورت تبیین واقعیت اجتماعی به‌وسیله واقعیت‌های اجتماعی دیگر تأکید می‌کند و از این طریق، مطالعه جرم را از سطح صرفاً فردی به سطح ساختارها و روابط اجتماعی انتقال می‌دهد (Durkheim, 2019). در این چارچوب، متغیرهایی مانند انسجام اجتماعی، اعتماد، حمایت متقابل، احساس تعلق و میزان پیوند فرد با شبکه‌های واقعی را می‌توان عناصر اساسی نظم غیررسمی دانست. هرچه شبکه روابط اجتماعی منسجم‌تر و مشارکت افراد در مناسبات متقابل پایدارتر باشد، امکان اعمال نظارت غیررسمی، انتقال هنجارها و ایجاد هزینه اجتماعی برای تخطی از قواعد بیشتر خواهد شد. از سوی دیگر، فردگرایی افراطی، احساس تنهایی و انزوای اجتماعی ممکن است فرد را از شبکه‌های نظارتی، حمایتی و هنجاری دور سازد و زمینه مساعدتری برای پذیرش یا ارتکاب رفتارهای انحرافی ایجاد کند.

در ادبیات جدید جامعه‌شناختی، مفهوم سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین چارچوب‌ها برای توضیح این روابط است. سرمایه اجتماعی به مجموعه منابعی اشاره دارد که از عضویت افراد در شبکه‌های پایدار روابط اجتماعی، اعتماد متقابل، هنجارهای همکاری و دسترسی به حمایت دیگران حاصل می‌شود. بررسی تطبیقی دیدگاه‌های بوردیو، کلمن و پاتنام نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های نظری میان این رویکردها، شبکه‌های اجتماعی و منابع برخاسته از آن‌ها در هر سه دیدگاه نقش اساسی دارند (Tzanakis, 2013). شبکه‌هایی که در آن‌ها اعتماد، تعامل متقابل و همکاری بیشتر است، قابلیت بالاتری برای تولید حمایت اجتماعی و کنترل غیررسمی دارند و در مقابل، فروپاشی این شبکه‌ها می‌تواند به تضعیف سرمایه اجتماعی منجر شود. در ایران نیز مطالعات نشان داده‌اند که روابط شبکه‌ای واقعی با سطح اعتماد متقابل و سرمایه اجتماعی پیوند نزدیکی دارند. باستانی و همکاران نشان دادند که ساختار و کیفیت شبکه روابط اجتماعی می‌تواند زمینه شکل‌گیری اعتماد بین‌شخصی را فراهم آورد و از این طریق بر سرمایه اجتماعی افراد اثر بگذارد (Bastani et al., 2008). همچنین، مطالعه شبکه‌های اجتماعی فردی در تهران نشان داده است که روابط محلی و میزان حضور افراد در شبکه‌های اجتماعی واقعی با دل‌بستگی آنان به محله ارتباط دارد (Bastani

(Nikzad, 2014 &). اهمیت این موضوع از آن جهت است که دلبستگی محله‌ای و ارتباطات چهره‌به‌چهره می‌توانند بستر نظارت غیررسمی، تبادل اطلاعات و شکل‌گیری احساس مسئولیت جمعی را تقویت کنند. حتی در محیط‌های سازمانی نیز الگوی ارتباطات رسمی و غیررسمی شبکه‌ای با انگیزش و رفتار اعضا مرتبط گزارش شده است، که نشان می‌دهد شبکه اجتماعی صرفاً کانالی برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه می‌تواند بر نگرش‌ها، انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری افراد نیز اثرگذار باشد (Bastani & Beheshti Zavareh, 2015).

رابطه میان شبکه‌های اجتماعی واقعی و جرم زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به شواهد جرم‌شناختی درباره نقش تعاملات اجتماعی در رفتار مجرمانه توجه شود. برناسکو و همکاران با استفاده از داده‌های فردی مجرمان و ویژگی‌های محله‌ای در هلند نشان دادند که الگوهای تعامل اجتماعی و محیط شبکه‌ای افراد با احتمال وقوع جرم ارتباط دارد و روابط اجتماعی می‌توانند هم از طریق کنترل و انسجام و هم از طریق انتقال فرصت‌ها و الگوهای رفتاری بر جرم اثر بگذارند (Bernasco et al., 2017). این یافته نشان می‌دهد که شبکه اجتماعی ذاتاً بازدارنده یا جرم‌زا نیست، بلکه کیفیت، جهت و محتوای روابط موجود در آن اهمیت تعیین‌کننده دارد. همین دوگانگی در ادبیات مرتبط با فضاهای مجازی نیز مشاهده می‌شود. توسعه ارتباطات آنلاین شکل‌های جدیدی از شبکه‌سازی را ایجاد کرده و در عین افزایش امکان تعامل، زمینه بروز گونه‌هایی از رفتارهای مجرمانه را نیز فراهم ساخته است. جایشانکار در چارچوب جرم‌شناسی سایبری نشان می‌دهد که انتقال بخشی از تعاملات انسانی به فضای دیجیتال، اشکال خاصی از فرصت، ناشناس بودن و یادگیری رفتار مجرمانه را ایجاد می‌کند (Jaishankar, 2011). با این حال، تمرکز گسترده ادبیات اخیر بر شبکه‌های مجازی سبب شده است نقش شبکه‌های اجتماعی واقعی، تعاملات چهره‌به‌چهره و پیوندهای محلی در تبیین جرم کمتر مورد بررسی یکپارچه قرار گیرد، در حالی که در بسیاری از جوامع محلی، همین روابط واقعی همچنان از مهم‌ترین منابع اعتماد، حمایت، کنترل اجتماعی و انتقال هنجارها هستند.

شواهد تجربی داخلی نیز نقش متغیرهای رابطه‌ای و اجتماعی را در تبیین بزهکاری تأیید کرده‌اند. مطالعه میرخلیلی و حیدری درباره دانش‌آموزان اصفهان نشان داد که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با کاهش بزهکاری رابطه دارند و هرچه مشارکت، اعتماد، حمایت و انسجام اجتماعی بیشتر باشد، گرایش به رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد (Mir-Khalili & Heydari, 2020). دلپسند و همکاران نیز در مقایسه جوانان مجرم و غیرمجرم در ایلام دریافتند که حمایت اجتماعی یکی از عوامل مهم تمایز این دو گروه است و برخورداری بیشتر از حمایت عاطفی، اطلاعاتی و مادی می‌تواند با کاهش احتمال جرم همراه باشد (Delpasand et al., 2012). اهمیت تعهد اجتماعی نیز در مطالعه مبارک و همکاران مشاهده شد؛ نتایج آن پژوهش نشان دادند که کاهش تعهد فرد به ارزش‌ها و الزامات اجتماعی با افزایش بزهکاری همراه است و متغیرهای هنجاری می‌توانند بخش مهمی از تفاوت‌های رفتار بزهکارانه را توضیح دهند (Mobarak et al., 2018). از سوی دیگر، نبوی و همکاران در مطالعه رفتارهای وندالیستی دانش‌آموزان نشان دادند که ازخودبیگانگی و برخی شرایط اجتماعی و مدرسه‌ای در بروز رفتارهای تخریبی نقش دارند (Nabavi et al., 2011). این مجموعه یافته‌ها بر این نکته دلالت دارد که بزهکاری را نمی‌توان تنها به فقر، ضعف اقتصادی یا ویژگی‌های فردی نسبت داد، بلکه کیفیت رابطه فرد با خانواده، مدرسه، محله، گروه‌های اجتماعی و نظام هنجاری نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در عین حال، عوامل اقتصادی و خانوادگی نیز بخشی از ساختار چندعاملی جرم را تشکیل می‌دهند. اسکندری چراتی در بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان نشان داد که متغیرهایی مانند اختلافات خانوادگی، فقر اقتصادی و تجربه یادگیری رفتار بزهکارانه می‌توانند با افزایش احتمال بزهکاری همراه باشند، در حالی که نظارت خانواده و برخی عوامل فرهنگی نقش محافظتی دارند (Eskandari Cherati, 2017). مطالعه اخیر صفری و همکاران درباره زنان زندانی در کرمانشاه نیز اهمیت شرایط خانوادگی را در نوع و میزان بزهکاری برجسته ساخته و نشان داده است که وضعیت خانواده، کیفیت روابط درون‌خانوادگی و عوامل زمینه‌ای می‌توانند در مسیر شکل‌گیری رفتار مجرمانه اثرگذار باشند (Saffari et al., 2025). این یافته‌ها اهمیت توجه به خانواده را تأیید می‌کنند، اما در عین حال ضرورت تحلیل خانواده به‌عنوان بخشی از شبکه

گسترده‌تر روابط اجتماعی را نیز مطرح می‌سازند. خانواده یکی از نخستین فضاهایی است که فرد در آن اعتماد، حمایت، تعهد و کنترل اجتماعی را تجربه می‌کند و ضعف این نهاد می‌تواند به کاهش دسترسی فرد به منابع حمایتی و افزایش احتمال پیوند با شبکه‌های ناسازگار منجر شود. پژوهش‌های جدید درباره بزهکاری نوجوانان نیز به‌طور فزاینده‌ای بر ماهیت شبکه‌ای و تعاملی عوامل خطر تأکید دارند. فاگان و همکاران در مطالعه‌ای طولی نشان دادند که خطرهای اولیه زندگی و شرایط خانوادگی، تنها به‌صورت مستقیم با بزهکاری نوجوانی مرتبط نیستند، بلکه اثر آن‌ها می‌تواند از مسیر متغیرهای میانجی و تعدیل‌کننده در طول رشد منتقل شود (Fagan et al., 2025). این یافته با رویکردی سازگار است که جرم را پیامد یک زنجیره از روابط و تجربیات اجتماعی می‌داند، نه محصول یک عامل منفرد. فاطیما نیز در بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان بر چندبعدی‌بودن این پدیده تأکید کرده و نقش ترکیبی عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و محیطی را برجسته ساخته است (Fatima, 2025). در پژوهش دیگری، اوزدمیر و همکاران نقش حمایت اجتماعی و علاقه اجتماعی را در بزهکاری نوجوانان بررسی کرده و نشان داده‌اند که دسترسی به حمایت و میزان پیوند فرد با دیگران می‌تواند به‌طور معناداری با احتمال بزهکاری ارتباط داشته باشد (Özdemir et al., 2025). این شواهد معاصر، اهمیت سازه‌هایی نظیر حمایت، تعلق، اعتماد و انسجام را بیش از پیش آشکار می‌سازند و نشان می‌دهند که تقویت روابط اجتماعی می‌تواند بخشی از راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم باشد.

گروه همسالان نیز یکی از مهم‌ترین بخش‌های شبکه اجتماعی افراد، به‌ویژه در نوجوانی و جوانی، است و می‌تواند هم کارکرد حمایتی و هم کارکرد خطرزا داشته باشد. سان و ژانگ نشان داده‌اند که نفوذ همسالان بر بزهکاری جوانان از شرایط محیط آموزشی و کیفیت معلمان نیز تأثیر می‌پذیرد و بنابراین اثر شبکه همسالان در خلأ عمل نمی‌کند، بلکه با ساختارهای مدرسه‌ای و اجتماعی تعامل دارد (Sun & Zhang, 2025). تو و همکاران نیز در مطالعه پرخاشگری نوجوانان نشان دادند که انتخاب دوست و تأثیر همسالان می‌تواند به‌صورت متقابل بر رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکاری غیرپرخاشگرانه اثر بگذارند و متغیرهایی مانند قربانی شدن توسط همسالان و گسست اخلاقی نیز در این فرایند نقش دارند (Tu et al., 2025). چنین یافته‌هایی تأکید می‌کنند که صرف اندازه شبکه اجتماعی نمی‌تواند شاخص کافی برای سنجش پیامدهای آن باشد؛ بلکه نوع روابط، جهت اثرگذاری اعضا، میزان اعتماد و ماهیت هنجارهای حاکم بر شبکه اهمیت دارد. از همین رو، در مطالعه شبکه‌های اجتماعی واقعی و جرم باید میان وجود شبکه و کیفیت شبکه تمایز قائل شد و نقش سازه‌هایی مانند حمایت اجتماعی، اعتماد، سرمایه اجتماعی، انسجام و هم‌رنگی را به‌عنوان سازوکارهای واسط در نظر گرفت.

بعضی مطالعات جدید نیز بر هم‌وقوعی انواع رفتارهای مسئله‌ساز و نقش زمینه اجتماعی در آن‌ها تأکید دارند. تلو با استفاده از تحلیل طبقات نهفته در میان نوجوانان آرژانتینی نشان داد که مصرف مواد غیرقانونی و رفتارهای بزهکارانه می‌تواند در الگوهای رفتاری متمایزی هم‌زمان ظاهر شوند و بزهکاری لزوماً یک پدیده یک‌بعدی نیست (Tello, 2025). این یافته به اهمیت مطالعه گرایش به جرم به‌عنوان سازه‌ای چندبعدی اشاره دارد که می‌تواند شامل آمادگی نگرشی، پذیرش هنجارشکنی، رفتارهای اجتماعی مسئله‌ساز و زمینه‌های تسهیل‌کننده بزهکاری باشد. در نتیجه، برای فهم دقیق‌تر گرایش به جرم، ضروری است نه‌تنها وقوع رفتار مجرمانه بالفعل، بلکه زمینه‌های اجتماعی و نگرشی پیش از آن نیز بررسی شوند. چنین رویکردی به‌ویژه در مطالعات پیمایشی اهمیت دارد، زیرا می‌تواند سازوکارهای اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری آمادگی برای رفتار بزهکارانه را پیش از تبدیل آن به جرم رسمی آشکار سازد.

در این میان، احساس تنهایی و انزوای اجتماعی از جمله متغیرهایی هستند که می‌توانند حلقه واسط مهمی میان ضعف شبکه‌های واقعی و افزایش گرایش به جرم باشند. شخصی که از تعاملات پایدار، حمایت متقابل و احساس تعلق محروم است، ممکن است سطح پایین‌تری از تعهد به هنجارهای جمعی و احساس مسئولیت نسبت به اجتماع تجربه کند. در مقابل، شبکه‌های واقعی می‌توانند با فراهم کردن حمایت اجتماعی، افزایش اعتماد و تقویت سرمایه اجتماعی، زمینه ادغام فرد در جامعه را فراهم سازند. از این منظر، سازه‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی را نباید متغیرهایی مجزا و مستقل از شبکه دانست، بلکه می‌توان آن‌ها را پیامدها و سازوکارهای عمل شبکه‌های اجتماعی واقعی تلقی کرد. این منطق با نتایج مطالعات سرمایه اجتماعی در ایران (Bastani et al., 2008) و همچنین با ادبیات بین‌المللی

سرمایه اجتماعی (Tzanakis, 2013) همخوانی دارد. در عین حال، برای ارزیابی همزمان این روابط به رویکردهای آماری چندمتغیره نیاز است که بتوانند مجموعه‌ای از مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم را به‌طور همزمان تحلیل کنند. در چنین تحلیل‌هایی، توجه به قدرت آماری، اندازه اثر و کفایت نمونه برای جلوگیری از تفسیر نادرست روابط اهمیت اساسی دارد (Cohen, 2013).

با وجود گسترش پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، خانواده، همسالان و عوامل اقتصادی جرم، هنوز چند خلأ در ادبیات مشاهده می‌شود. نخست، بسیاری از مطالعات هر یک از این عوامل را به‌طور جداگانه بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی شبکه‌های اجتماعی واقعی را به‌عنوان محور اصلی یک مدل چندسازه‌ای مورد آزمون قرار داده است. دوم، بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های جدید درباره شبکه و جرم یا بر نوجوانان و محیط مدرسه متمرکز بوده‌اند (Sun & Zhang, 2025; Tu et al., 2025)، یا بر خانواده و بزهکاری خاص گروه‌های اجتماعی تأکید داشته‌اند (Saffari et al., 2025)، یا به زمینه‌های سایبری توجه کرده‌اند (Jaishankar, 2011). سوم، در بسیاری از مطالعات، نقش همزمان متغیرهای پیونددهنده و گسست‌آفرین، یعنی اعتماد، انسجام، حمایت، سرمایه اجتماعی، دینداری و نشاط اجتماعی از یک سو و احساس تنهایی، انزوا و فردگرایی از سوی دیگر، در قالب یک مدل ساختاری یکپارچه آزمون نشده است. چهارم، بخش زیادی از مطالعات ایرانی در محیط‌های کلان‌شهری یا گروه‌های خاص مانند دانش‌آموزان و جوانان انجام شده‌اند و درباره بافت‌های محلی شهرستانی که روابط چهره‌به‌چهره، پیوندهای خویشاوندی و کنترل اجتماعی غیررسمی در آن‌ها ممکن است نقش برجسته‌تری داشته باشند، شواهد محدودی وجود دارد. این در حالی است که شواهد موجود نشان می‌دهند آثار شبکه و سرمایه اجتماعی می‌توانند به‌شدت تابع زمینه اجتماعی، ساختار محله و کیفیت تعاملات باشند (Bernasco et al., 2017).

اهمیت مطالعه این مسئله در شهرستان‌های پاره، روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی از همین ویژگی زمینه‌ای ناشی می‌شود. در چنین محیط‌هایی، شبکه‌های واقعی خانوادگی، خویشاوندی، محله‌ای و دوستی می‌توانند بخش مهمی از زندگی روزمره و سازوکارهای نظم اجتماعی را تشکیل دهند. اگر این شبکه‌ها با اعتماد، حمایت، سرمایه اجتماعی و احساس تعلق همراه باشند، انتظار می‌رود ظرفیت کنترل غیررسمی و بازدارندگی از رفتارهای انحرافی افزایش یابد؛ در مقابل، اگر فرد در همان بستر احساس تنهایی، انزوا و گسست از روابط اجتماعی را تجربه کند، حضور صوری در جامعه لزوماً به معنای ادغام واقعی اجتماعی نخواهد بود. چنین رویکردی امکان آن را فراهم می‌کند که تفاوت در گرایش به جرم نه فقط بر اساس وضعیت اقتصادی یا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، بلکه بر پایه کیفیت ارتباط فرد با ساختار اجتماعی تبیین شود. افزون بر این، توجه به روابط میان خود سازه‌ها، برای مثال اثر اعتماد اجتماعی بر سرمایه اجتماعی، اثر حمایت اجتماعی بر نشاط اجتماعی یا اثر دینداری بر انسجام اجتماعی، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از سازوکارهای شکل‌گیری کنترل اجتماعی غیررسمی ارائه کند. بر این اساس، مطالعه حاضر می‌کوشد با تلفیق دیدگاه‌های کلاسیک نظم و انسجام اجتماعی با ادبیات معاصر سرمایه اجتماعی و یافته‌های جدید جرم‌شناسی اجتماعی، یک مدل یکپارچه برای توضیح گرایش به جرم و بزهکاری در این بافت جغرافیایی ارائه کند.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان شبکه‌های اجتماعی واقعی و گرایش به جرم و بزهکاری در میان شهروندان شهرستان‌های پاره، روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی با تأکید بر نقش سازه‌های حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، دینداری، نشاط اجتماعی، هم‌رنگی اجتماعی، فردگرایی، احساس تنهایی و انزوای اجتماعی است.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کمی و طرح پیمایشی میدانی اجرا شد و از حیث مبانی فلسفی، بر هستی‌شناسی رئالیستی و معرفت‌شناسی اثبات‌گرایانه استوار است. در این رویکرد، واقعیت اجتماعی پدیده‌ای بیرونی، جمعی و مستقل از آگاهی فردی تلقی می‌شود و اصل فراغت ارزشی، نسبت میان محقق و ابژه پژوهش را تنظیم می‌کند.

جامعه آماری پژوهش را شهروندان بالای ۱۸ سال شهرستان‌های پاره، روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، با سطح خطای ۵ درصد و ضریب اطمینان ۹۵ درصد، برابر با ۳۸۴ نفر برآورد و نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شد. در فرایند گردآوری داده‌ها، به‌منظور جبران احتمال ریزش و افزایش دقت برآوردهای مدل ساختاری، تعداد پرسشنامه‌های توزیع‌شده بیش از حداقل محاسبه‌شده در نظر گرفته شد. از ۵۴۸ پرسشنامه گردآوری‌شده، ۴۸ مورد به دلیل داده مفقوده کنار گذاشته شد و تحلیل نهایی بر مبنای ۵۰۰ پرسشنامه کامل، معادل ۹۱.۲ درصد کل موارد گردآوری‌شده، انجام گرفت. این رویه، که در پژوهش‌های پیمایشی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری رایج است، امکان برآورد پایدارتر پارامترهای مدل را با نمونه‌ای بزرگ‌تر از حداقل نظری فراهم می‌سازد.

ابزار اصلی گردآوری داده، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود که در نسخه نهایی از ۲۳۱ گویه در دو بخش تشکیل شده بود. بخش نخست شامل ۶ گویه جمعیت‌شناختی، یعنی جنسیت، سن، شهرستان محل سکونت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال بود. بخش دوم شامل ۲۲۵ گویه تخصصی بر پایه طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای، از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم، با نمره‌گذاری ۱ تا ۵ بود. هر یک از سازه‌های اصلی پژوهش در بازه گویه‌ای معینی سنجیده شد، به این ترتیب که احساس تنهایی با ۱۲ گویه، اعتماد اجتماعی با ۲۴ گویه، انزوای اجتماعی با ۲۸ گویه، انسجام اجتماعی با ۲۰ گویه، گرایش به جرم و بزهکاری با ۲۱ گویه، حمایت اجتماعی با ۲۴ گویه، دینداری با ۲۰ گویه، فردگرایی با ۱۲ گویه، نشاط اجتماعی با ۲۴ گویه، هم‌رنگی اجتماعی با ۲۴ گویه و سرمایه اجتماعی با ۱۶ گویه سنجیده شدند. متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز از میانگین نمرات استانداردشده دو مؤلفه سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال محاسبه شد.

متغیر وابسته پژوهش، گرایش به جرم و بزهکاری، به‌عنوان آمادگی نگرشی، رفتاری و زمینه‌ای فرد برای پذیرش، توجیه یا بروز رفتارهای انحرافی و بزهکارانه تعریف و در پنج بعد سنجیده شد؛ شامل بزهکاری رفتاری، نظیر توسل به خشونت در مشاجرات روزمره، بزهکاری اجتماعی، نظیر بی‌تفاوتی نسبت به قوانین محلی، بزهکاری اخلاقی، نظیر توجیه دروغ‌گویی در روابط اجتماعی، بزهکاری گروهی، نظیر انجام رفتار نادرست برای پذیرفته‌شدن در جمع دوستان، و بزهکاری زمینه‌ای، نظیر ضعف نظارت خانواده و کنترل اجتماعی محله.

با توجه به ماهیت چندسازه‌ای و ساختاری مدل مفهومی، که هم‌زمان روابط مستقیم و میانجی متعددی را دربر می‌گیرد، تحلیل داده‌ها با رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی صورت گرفت. این انتخاب روش‌شناختی با ماهیت اکتشافی و تبیینی پژوهش سازگار است، چرا که این روش امکان بررسی هم‌زمان مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری را در شبکه‌ای پیچیده از سازه‌های میانجی فراهم می‌سازد (هیر و آلامر^۱، ۲۰۲۲). آماره‌های توصیفی و مقایسه‌ای تکمیلی نیز با نرم‌افزار SPSS محاسبه شد.

روایی و پایایی سازه‌ها با پنج معیار متعارف در ادبیات مدل‌یابی معادلات ساختاری ارزیابی شد. آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تمامی سازه‌ها بالاتر از آستانه ۰.۷۰ قرار داشت، با دامنه مشاهده‌شده ۰.۹۵۱ تا ۰.۹۸۶. میانگین واریانس استخراج‌شده برای تمامی سازه‌ها بالاتر از آستانه ۰.۵۰ بود، با دامنه ۰.۶۵۰ تا ۰.۷۲۲، که روایی هم‌گرایی ابزار را تأیید می‌کند (فرنل و لارکر^۲، ۱۹۸۱). بار عاملی گویه‌ها در دامنه ۰.۷۸۰ تا ۰.۸۷۷ قرار داشت که بالاتر از حد پذیرفته‌شده ۰.۷۰ است. روایی واگرا نیز از دو مسیر مکمل تأیید شد؛ نخست از طریق بار عاملی متقاطع، به این ترتیب که در تمامی ۲۲۵ گویه، بار عاملی هر گویه بر سازه اصلی خود از بار آن بر سایر سازه‌ها بیشتر بود، و دوم از طریق نسبت هتروتريت-مونوتريت، که تمامی مقادیر آن کمتر از آستانه بحرانی ۰.۸۵ بود.

ملاحظات اخلاقی پژوهش نیز در تمامی مراحل گردآوری داده رعایت شد. مشارکت پاسخگویان داوطلبانه بود، هدف پژوهش پیش از تکمیل پرسشنامه برای آنان تبیین شد، هیچ اطلاعات هویتی نظیر نام، نام خانوادگی یا نشانی ثبت نشد، و پاسخ‌ها به‌صورت ناشناس و محرمانه گردآوری شدند.

^۱ - Hair & Alamer

^۲ - Fornell & Larcker

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه نشان داد از میان ۵۰۰ پاسخگوی وارد شده به تحلیل، ۵۵.۰ درصد مرد و ۴۵.۰ درصد زن بودند. توزیع پاسخگویان بر حسب شهرستان محل سکونت به این ترتیب بود که ۳۱.۲ درصد در پاوه، ۲۸.۰ درصد در جوانرود، ۲۶.۴ درصد در ثلاث باباجانی و ۱۴.۴ درصد در روانسر سکونت داشتند. از نظر وضعیت تأهل، ۵۲.۰ درصد متأهل و ۳۶.۴ درصد مجرد بودند و توزیع سطح تحصیلات در چهار سطح زیر دیپلم، دیپلم، کاردانی یا کارشناسی، و لیسانس و بالاتر، به‌طور کاملاً برابر و هر سطح معادل ۲۵.۰ درصد بود (جدول ۱).

جدول ۱: توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

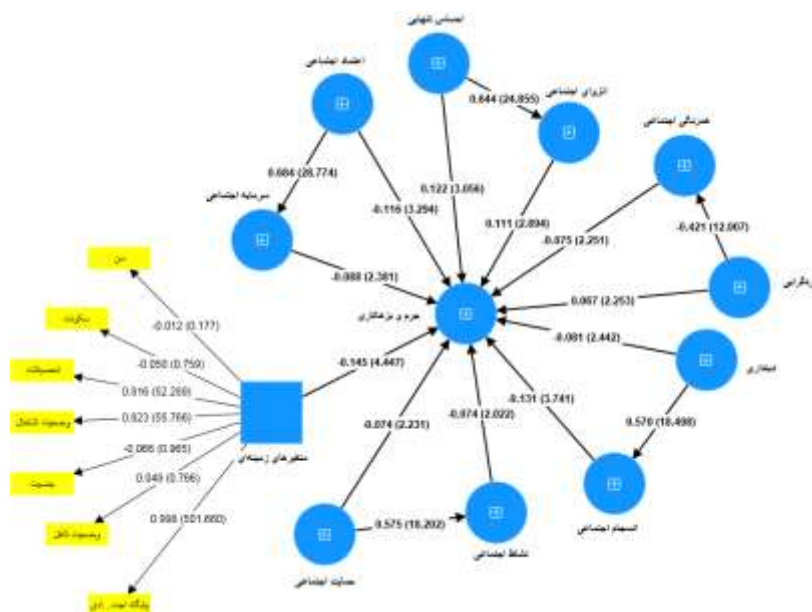
متغیر	طبقه	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	زن	۲۲۵	۴۵.۰
	مرد	۲۷۵	۵۵.۰
محل سکونت	پاوه	۱۵۶	۳۱.۲
	جوانرود	۱۴۰	۲۸.۰
	ثلاث باباجانی	۱۳۲	۲۶.۴
وضعیت تأهل	روانسر	۷۲	۱۴.۴
	مجرد	۱۸۲	۳۶.۴
	متأهل	۲۶۰	۵۲.۰
	سایر	۵۸	۱۱.۶
سطح تحصیلات	زیر دیپلم	۱۲۵	۲۵.۰
	دیپلم	۱۲۵	۲۵.۰
	دانشجوی کاردانی/کارشناسی	۱۲۵	۲۵.۰
	لیسانس و بالاتر	۱۲۵	۲۵.۰

بررسی شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش نشان داد میانگین تمامی سازه‌ها، از احساس تنهایی با میانگین ۳۸.۱۹ و انحراف معیار ۱۰.۷۵ تا گرایش به جرم و بزهکاری با میانگین ۶۶.۶۷ و انحراف معیار ۱۸.۷۰، در بازه سطح متوسط نسبت به دامنه ممکن نمرات قرار داشت. متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز با میانگین نزدیک به صفر در سطح متوسط ارزیابی شد. این یافته نشان می‌دهد جامعه نمونه در هیچ‌یک از سازه‌های مورد بررسی در وضعیت حدی قرار ندارد، وضعیتی که پیش‌شرط مناسبی برای تحلیل واریانس در مراحل بعدی پژوهش به شمار می‌رود (جدول ۲).

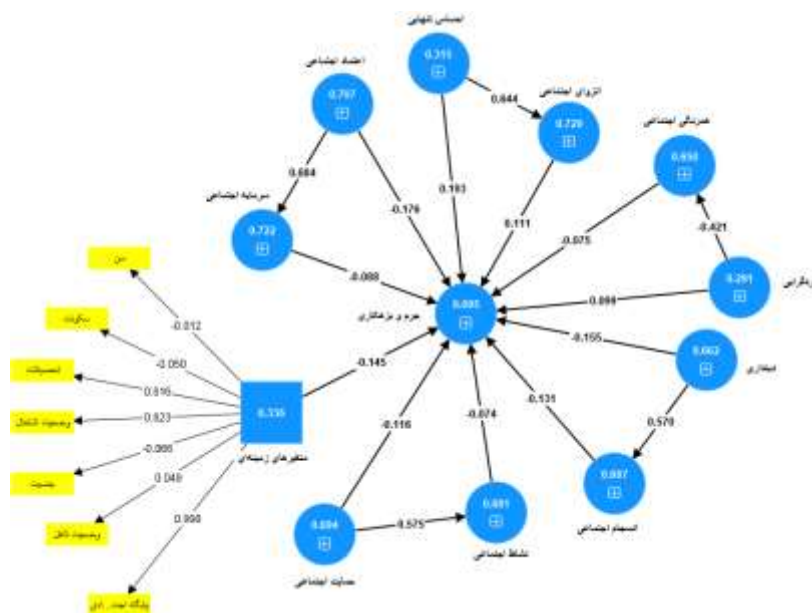
جدول ۲: شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش بر اساس نمره کل سازه‌ها و شاخص پایگاه اجتماعی-اقتصادی

متغیر	تعداد گویه	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
احساس تنهایی	۱۲	۵۰۰	۳۸.۱۹۴۳	۱۰.۷۴۶۳	۱۲.۰۰	۶۰.۰۰
اعتماد اجتماعی	۲۴	۵۰۰	۷۶.۵۱۶۳	۲۱.۹۱۰۶	۲۴.۰۰	۱۲۰.۰۰
انزوای اجتماعی	۲۸	۵۰۰	۸۹.۳۲۹۰	۲۵.۶۹۲۰	۲۸.۰۰	۱۴۰.۰۰
انسجام اجتماعی	۲۰	۵۰۰	۶۳.۷۳۰۰	۱۷.۸۱۸۹	۲۰.۰۰	۱۰۰.۰۰
جرم و بزهکاری	۲۱	۵۰۰	۶۶.۶۷۰۰	۱۸.۷۰۴۵	۲۱.۰۰	۱۰۵.۰۰
حمایت اجتماعی	۲۴	۵۰۰	۷۶.۴۰۸۸	۲۱.۳۶۵۴	۲۶.۸۸	۱۲۰.۰۰
دینداری	۲۰	۵۰۰	۶۳.۸۲۶۰	۱۷.۵۸۴۵	۲۰.۰۰	۱۰۰.۰۰
فردگرایی	۱۲	۵۰۰	۳۸.۲۳۶۱	۱۰.۴۹۸۸	۱۲.۰۰	۶۰.۰۰
نشاط اجتماعی	۲۴	۵۰۰	۷۶.۵۹۴۱	۲۱.۲۹۵۱	۲۴.۰۰	۱۱۹.۰۴
همرنگی اجتماعی	۲۴	۵۰۰	۷۶.۴۶۱۶	۲۰.۸۳۷۵	۲۶.۸۸	۱۲۰.۰۰
سرمایه اجتماعی	۱۶	۵۰۰	۵۱.۱۶۴۸	۱۴.۶۰۵۷	۱۶.۰۰	۸۰.۰۰
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	—	۵۰۰	۰.۰۰۰۰۳	۰.۸۲۱۹۳۸	-۱.۲۸۳	۱.۲۸۳

پیش از برآورد مدل ساختاری، برازش مدل اندازه‌گیری مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نخستین برآورد نشان داد اگرچه تمامی روابط ساختاری از نظر آماری معنادار بودند، میانگین واریانس استخراج‌شده سازه‌های احساس تنهایی و فردگرایی زیر آستانه ۰.۵۰ قرار داشت (شکل‌های ۲ و ۳)، وضعیتی که بیانگر عدم برازش مدل اولیه بود (کوهن^۱، ۲۰۱۳). بر این اساس، پس از شناسایی گویه‌های دارای بار عاملی نامطلوب، فرایند پالایش مدل انجام شد و ۱۵ گویه از سازه احساس تنهایی و ۱۵ گویه از سازه فردگرایی حذف شدند. مدل نهایی، پس از این اصلاح، برازش مطلوبی نشان داد؛ به این ترتیب که شاخص ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌های استانداردشده برابر با ۰.۰۷۸ و کمتر از آستانه ۰.۰۸ بود، و شاخص برازش هنجارشده برابر با ۰.۹۲۷ و بالاتر از آستانه ۰.۹۰ به دست آمد.

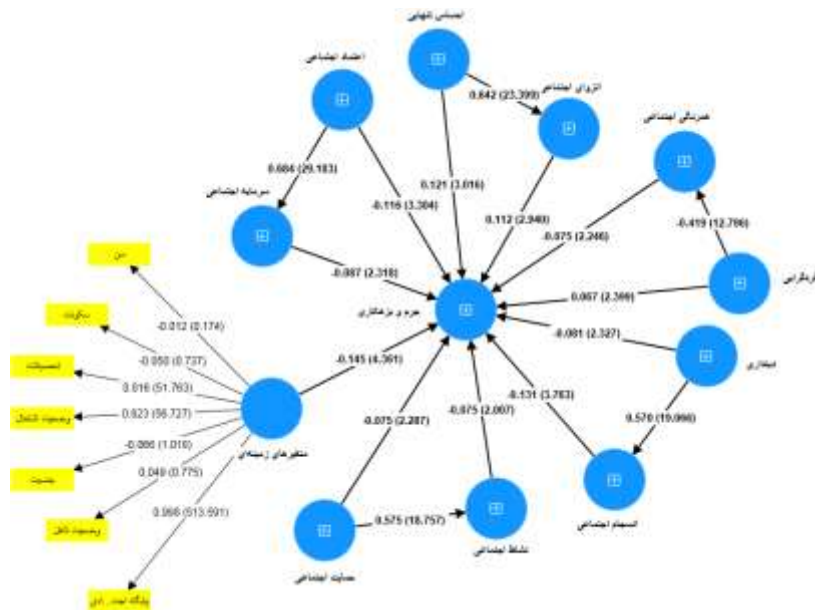


شکل ۱: مدل ساختاری اولیه پژوهش با مقادیر T

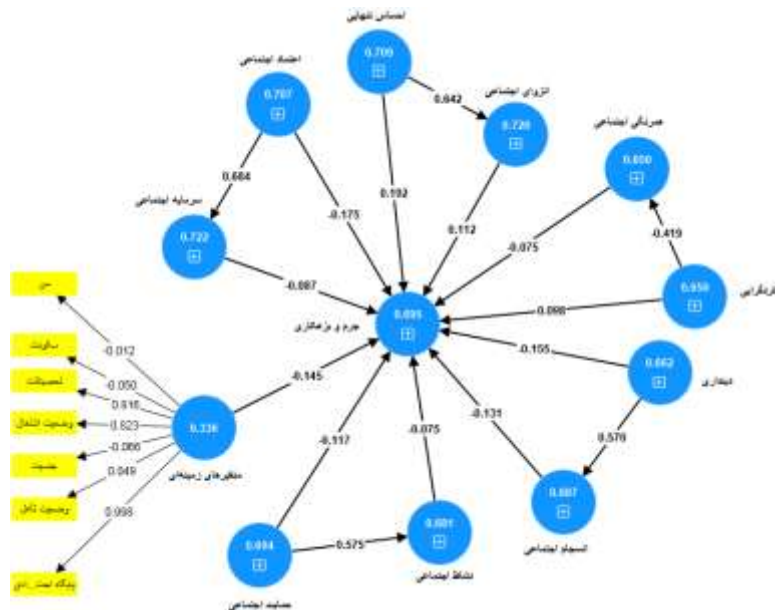


شکل ۲: مدل ساختاری اولیه پژوهش با مقادیر AVE

¹ - Cohen



شکل ۳: مدل ساختاری نهایی پژوهش با مقادیر T



شکل ۴: مدل ساختاری نهایی پژوهش با مقادیر AVE

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص	مدل اشباع	مدل برآورد شده
SRMR	۰.۰۲۷	۰.۰۷۸
d_ULS	۱۹.۱۷۱	۸۵۳.۰۳۰
d_G	۳۷.۲۷۸	۳۸.۴۸۵
Chi-square	۴۳۰۰۳.۱۱۴	۴۴۵۹۱.۶۱۹
NFI	۰.۷۳۹	۰.۹۲۷

بررسی ماتریس همبستگی پیرسون به عنوان گام مقدماتی پیش از تحلیل مسیر نشان داد گرایش به جرم و بزهکاری با احساس تنهایی رابطه‌ای مثبت و معنادار به میزان ۰.۶۹۳، با انزوای اجتماعی به میزان ۰.۷۲۶ و با فردگرایی به میزان ۰.۵۳۱ دارد. در مقابل، گرایش به جرم و بزهکاری با اعتماد اجتماعی رابطه‌ای منفی به میزان ۰.۷۱۰، با سرمایه اجتماعی به میزان ۰.۷۰۸ و با انسجام اجتماعی به میزان ۰.۶۹۶- نشان داد. تمامی ضرایب همبستگی گزارش شده در سطح ۰.۰۱ معنادار بودند (جدول ۴).

جدول ۴: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱	احساس	—										
۲	اعتماد	۰.۶۴۵**	—									
۳	انزوای	۰.۶۴۲**	۰.۶۸۴**	—								
۴	انسجام	۰.۵۸۸**	۰.۶۲۴**	۰.۶۷۰**	—							
۵	جرم و	۰.۶۹۳**	۰.۷۱۰**	۰.۷۲۶**	۰.۶۹۶**	—						
۶	حمایت	۰.۶۱۶**	۰.۶۲۲**	۰.۶۵۳**	۰.۶۰۷**	۰.۶۶۸**	—					
۷	دینداری	—	۰.۶۱۰**	۰.۶۲۶**	۰.۵۷۰**	—	۰.۶۰۲**	—				
۸	سرمایه	۰.۶۶۰**	۰.۶۸۴**	۰.۶۷۲**	۰.۶۴۷**	۰.۷۰۸**	۰.۶۳۳**	۰.۶۰۹**	—			
۹	فردگرایی	۰.۴۴۳**	۰.۴۶۲**	۰.۴۶۹**	۰.۴۶۷**	۰.۵۳۱**	۰.۴۸۳**	۰.۴۴۸**	۰.۴۷۵**	—		
۱۰	نشاط	۰.۶۱۴**	۰.۵۶۹**	۰.۶۴۷**	۰.۵۶۷**	۰.۶۵۰**	۰.۵۷۵**	۰.۵۷۹**	۰.۶۳۲**	۰.۴۲۸**	—	
۱۱	همرنگی	۰.۵۳۶**	۰.۶۱۲**	۰.۵۸۷**	۰.۵۴۶**	۰.۶۲۴**	۰.۵۵۵**	۰.۵۱۳**	۰.۵۸۳**	۰.۴۱۹**	۰.۵۱۳**	—

جدول ۵ ضرایب مسیر معنادار منتهی به متغیر وابسته اصلی پژوهش را به ترتیب بزرگی اثر استاندارد نشان می‌دهد (جدول ۵).

جدول ۵: مقادیر T، ضرایب مسیر و معناداری روابط مدل و شاخص‌های متغیرهای زمینه‌ای

مبدأ	مقصد	B	T	Sig
احساس تنهایی -< انزوای اجتماعی		۰.۶۴۲	۲۳.۳۹۹	۰.۰۰۱
احساس تنهایی -< جرم و بزهکاری		۰.۱۲۱	۳.۰۱۶	۰.۰۰۳
اعتماد اجتماعی -< جرم و بزهکاری		-۰.۱۱۶	۳.۳۰۴	۰.۰۰۱
اعتماد اجتماعی -< سرمایه اجتماعی		۰.۶۸۴	۲۹.۱۸۳	۰.۰۰۱
انزوای اجتماعی -< جرم و بزهکاری		۰.۱۱۲	۲.۹۴۰	۰.۰۰۳
انسجام اجتماعی -< جرم و بزهکاری		-۰.۱۳۱	۳.۷۶۳	۰.۰۰۱
حمایت اجتماعی -< جرم و بزهکاری		-۰.۰۷۵	۲.۲۸۷	۰.۰۲۲
حمایت اجتماعی -< نشاط اجتماعی		۰.۵۷۵	۱۸.۷۵۷	۰.۰۰۱
دینداری -< انسجام اجتماعی		۰.۵۷۰	۱۹.۰۶۶	۰.۰۰۱
دینداری -< جرم و بزهکاری		-۰.۰۸۱	۲.۳۲۷	۰.۰۲۰
سرمایه اجتماعی -< جرم و بزهکاری		-۰.۰۸۷	۲.۳۱۸	۰.۰۲۱
فردگرایی -< جرم و بزهکاری		۰.۰۶۷	۲.۳۹۹	۰.۰۱۷
فردگرایی -< هم‌رنگی اجتماعی		-۰.۴۱۹	۱۲.۷۹۶	۰.۰۰۱
نشاط اجتماعی -< جرم و بزهکاری		-۰.۰۷۵	۲.۰۰۷	۰.۰۴۵
هم‌رنگی اجتماعی -< جرم و بزهکاری		-۰.۰۷۵	۲.۲۴۶	۰.۰۲۵
سن -< جرم و بزهکاری		-۰.۰۱۲	۰.۱۷۴	۰.۰۹۴
سکونت -< جرم و بزهکاری		-۰.۰۵۰	۰.۷۳۷	۰.۰۰۱

۰.۰۰۱	۵۱.۷۶۳	۰.۸۱۶	تحصیلات - جرم و بزهکاری
۰.۰۰۱	۵۶.۷۲۷	۰.۸۲۳	وضعیت اشتغال - جرم و بزهکاری
۰.۰۵۹	۱.۰۱۸	-۰.۰۶۶	جنسیت - جرم و بزهکاری
۰.۰۶۷	۰.۷۷۵	۰.۰۴۹	موضعیت تأهل - جرم و بزهکاری
۰.۰۰۱	۵۱۳.۵۹۱	۰.۹۹۸	پایگاه اجتماعی - اقتصادی - جرم و بزهکاری

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد جهت تمامی مسیرهای معنادار مدل، بدون استثنا، با پیش‌بینی نظری بخش پیشینه و چارچوب نظری منطبق است. سازه‌های تقویت‌کننده پیوند اجتماعی، شامل انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، دینداری، حمایت اجتماعی و نشاط اجتماعی، اثری بازدارنده، و سازه‌های نشانگر فرسایش پیوند اجتماعی، شامل احساس تنهایی، انزوای اجتماعی و فردگرایی، اثری تشدیدکننده بر گرایش به جرم و بزهکاری نشان دادند. افزون بر مسیرهای مستقیم منتهی به متغیر وابسته، سه مسیر میانجی با اندازه اثر بزرگ در مدل شناسایی شد؛ احساس تنهایی بر انزوای اجتماعی با ضریب مسیر ۰.۶۴۲ و اندازه اثر ۰.۷۰۱، اعتماد اجتماعی بر سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر ۰.۶۸۴ و اندازه اثر ۰.۸۸۱، و حمایت اجتماعی بر نشاط اجتماعی با ضریب مسیر ۰.۵۷۵ و اندازه اثر ۰.۴۹۳ (جدول ۶).

جدول ۶: اندازه اثر متغیرهای برون‌زا بر سازه‌های درون‌زا بر اساس شاخص f^2

مبدأ	مقصد	f^2	اندازه اثر
احساس تنهایی	انزوای اجتماعی	۰.۷۰۱	بزرگ
احساس تنهایی	جرم و بزهکاری	۰.۰۲۳	کوچک
اعتماد اجتماعی	جرم و بزهکاری	۰.۰۱۹	ناچیز
اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۰.۸۸۱	بزرگ
انزوای اجتماعی	جرم و بزهکاری	۰.۰۱۶	ناچیز
انسجام اجتماعی	جرم و بزهکاری	۰.۰۲۷	کوچک
حمایت اجتماعی	جرم و بزهکاری	۰.۰۰۹	ناچیز
حمایت اجتماعی	نشاط اجتماعی	۰.۴۹۳	بزرگ
دینداری	انسجام اجتماعی	۰.۴۸۲	بزرگ
دینداری	جرم و بزهکاری	۰.۰۱۱	ناچیز
سرمایه اجتماعی	جرم و بزهکاری	۰.۰۱۰	ناچیز
فردگرایی	جرم و بزهکاری	۰.۰۱۱	ناچیز
فردگرایی	همرنگی اجتماعی	۰.۲۱۳	متوسط
متغیرهای زمینه‌ای	جرم و بزهکاری	۰.۰۳۹	کوچک
نشاط اجتماعی	جرم و بزهکاری	۰.۰۱۰	ناچیز
همرنگی اجتماعی	جرم و بزهکاری	۰.۰۱۱	ناچیز

یادداشت. در تفسیر شاخص f^2 ، مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ به ترتیب نشان‌دهنده اثر کوچک، متوسط و بزرگ هستند.

از منظر قدرت تبیین، مدل ساختاری پژوهش ۷۳.۱ درصد از واریانس گرایش به جرم و بزهکاری را تبیین کرد، با ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰.۷۲۵، که بالاترین ضریب تعیین در میان سازه‌های درون‌زای مدل بود. شاخص افزونگی اعتبارسنجی‌شده برای این متغیر ۰.۵۰۴ به دست آمد که بیانگر توان پیش‌بینی قوی مدل است. آزمون مقایسه‌ای توان پیش‌بینی نیز نشان داد مدل مبتنی بر حداقل مربعات جزئی در پیش‌بینی گرایش به جرم و بزهکاری نسبت به مدل مرجع برتری معناداری دارد، با تفاوت میانگین اتلاف ۰.۴۸۴- و مقدار آماره تی ۱۳.۳۴۲ در سطح معناداری کمتر از ۰.۰۰۱. بررسی همخطی چندگانه با شاخص عامل تورم واریانس نیز نشان داد تمامی ۲۲۵ گویه مدل در دامنه قابل قبول کمتر از ۵ قرار دارند و مشکل بحرانی همخطی در مدل مشاهده نمی‌شود.

جدول ۷: شاخص‌های قدرت تبیین و روایی پیش‌بین سازه‌های پژوهش بر اساس R^2 ، افزونگی اعتبارسنجی شده و اشتراک

اعتبارسنجی شده

سازه	R-square	R-square adjusted	SSO افزونگی	SSE افزونگی	Q^2 افزونگی	SSO اشتراک	SSE اشتراک	Q^2 اشتراک
احساس تنهایی	—	—	۶۵۷۶.۰۰۰	۶۵۷۶.۰۰۰	۰.۰۰۰	۶۵۷۶.۰۰۰	۲۲۸۹.۸۸۴	۰.۶۵۲
اعتماد اجتماعی	—	—	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۴۲۵۲.۹۰۶	۰.۶۷۷
انزوای اجتماعی	۰.۴۱۲	۰.۴۱۱	۱۵۳۴۴.۰۰۰	۱۰۸۲۷.۹۳۶	۰.۲۹۴	۱۵۳۴۴.۰۰۰	۴۶۷۱.۱۳۵	۰.۶۹۶
انسجام اجتماعی	۰.۳۲۵	۰.۳۲۴	۱۰۹۶۰.۰۰۰	۸۵۳۲.۳۱۹	۰.۲۲۲	۱۰۹۶۰.۰۰۰	۳۸۴۰.۸۴۱	۰.۶۵۰
جرم و بزهکاری	۰.۷۳۱	۰.۷۲۵	۱۱۵۰۸.۰۰۰	۵۷۱۳.۴۲۹	۰.۵۰۴	۱۱۵۰۸.۰۰۰	۳۹۱۳.۸۳۰	۰.۶۶۰
حمایت اجتماعی	—	—	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۴۴۳۹.۵۶۴	۰.۶۶۲
دینداری	—	—	۱۰۹۶۰.۰۰۰	۱۰۹۶۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱۰۹۶۰.۰۰۰	۴۱۴۸.۱۵۳	۰.۶۲۲
سرمایه اجتماعی	۰.۴۶۸	۰.۴۶۷	۸۷۶۸.۰۰۰	۵۸۲۶.۲۷۴	۰.۳۳۶	۸۷۶۸.۰۰۰	۲۸۰۰.۲۹۲	۰.۶۸۱
فردگرایی	—	—	۶۵۷۶.۰۰۰	۶۵۷۶.۰۰۰	۰.۰۰۰	۶۵۷۶.۰۰۰	۲۷۶۱.۰۶۰	۰.۵۸۰
متغیرهای زمینه‌ای	—	—	۳۸۳۶.۰۰۰	۳۸۳۶.۰۰۰	۰.۰۰۰	۳۸۳۶.۰۰۰	۲۹۴۱.۶۶۳	۰.۲۳۳
نشاط اجتماعی	۰.۳۳۰	۰.۳۲۹	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۱۰۲۴۰.۶۰۷	۰.۲۲۱	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۴۶۲۴.۶۰۸	۰.۶۴۸
همرنگی اجتماعی	۰.۱۷۵	۰.۱۷۴	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۱۱۶۷۹.۵۲۷	۰.۱۱۲	۱۳۱۵۲.۰۰۰	۵۰۷۴.۰۷۰	۰.۶۱۴

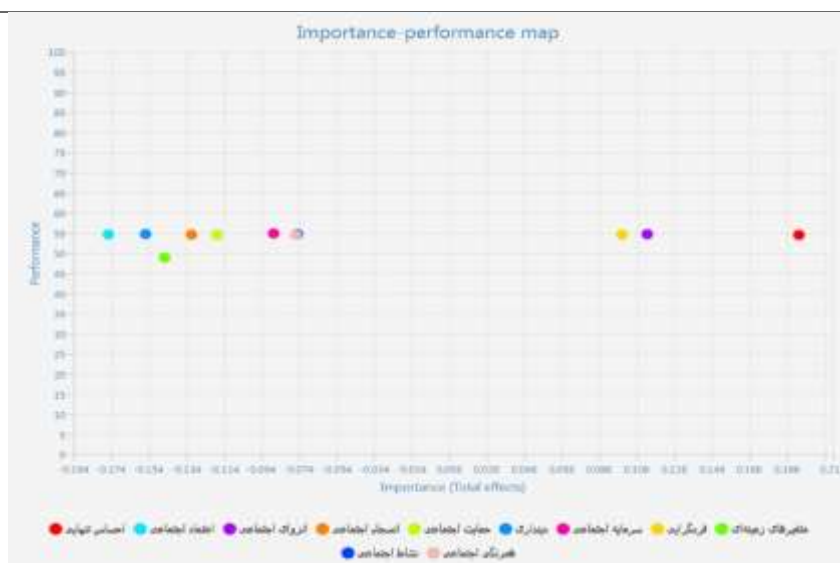
جدول ۸: نتایج آزمون توان پیش‌بینی متقاطع مدل در مقایسه با میانگین شاخص‌ها

سازه	تفاوت میانگین اتلاف	مقدار t	سطح معناداری
انزوای اجتماعی	-۰.۳۱۴	۸.۵۸۰	۰.۰۰۱
انسجام اجتماعی	-۰.۲۳۲	۷.۱۴۸	۰.۰۰۱
جرم و بزهکاری	-۰.۴۸۴	۱۳.۳۴۲	۰.۰۰۱
سرمایه اجتماعی	-۰.۳۵۴	۹.۴۱۶	۰.۰۰۱
نشاط اجتماعی	-۰.۲۳۴	۶.۹۰۹	۰.۰۰۱
همرنگی اجتماعی	-۰.۱۱۷	۵.۱۷۲	۰.۰۰۱
کلی	-۰.۲۸۳	۱۱.۶۳۵	۰.۰۰۱

تحلیل اهمیت و عملکرد به‌منظور بررسی هم‌زمان میزان اهمیت و سطح عملکرد سازه‌ها در تبیین گرایش به جرم و بزهکاری انجام شد. نتایج نشان داد احساس تنهایی با اثر کل ۰.۱۹۲ بالاترین اهمیت را در میان تمامی سازه‌های مدل دارد، در حالی که متغیرهای زمینه‌ای با وجود اهمیت نسبی و اثر کل ۰.۱۴۵، پایین‌ترین سطح عملکرد را با نمره ۴۸.۹۶۰ در میان تمامی سازه‌ها نشان دادند. این الگو بیانگر آن است که متغیرهای زمینه‌ای، از منظر مداخله و سیاست‌گذاری، اولویت بیشتری نسبت به سایر سازه‌ها دارند (جدول ۹).

جدول ۹: نتایج تحلیل اهمیت-عملکرد سازه‌های مؤثر بر جرم و بزهکاری

سازه	اثر کل بر جرم و بزهکاری	عملکرد
احساس تنهایی	۰.۱۹۲	۵۴.۵۷۹
اعتماد اجتماعی	-۰.۱۷۵	۵۴.۷۰۷
انزوای اجتماعی	۰.۱۱۲	۵۴.۷۵۹
انسجام اجتماعی	-۰.۱۳۱	۵۴.۶۶۴
حمایت اجتماعی	-۰.۱۱۷	۵۴.۵۸۸
دینداری	-۰.۱۵۵	۵۴.۷۸۰
سرمایه اجتماعی	-۰.۰۸۷	۵۴.۹۴۵
فردگرایی	۰.۰۹۸	۵۴.۶۶۳
متغیرهای زمینه‌ای	-۰.۱۴۵	۴۸.۹۶۰
نشاط اجتماعی	-۰.۰۷۵	۵۴.۷۹۱
همرنگی اجتماعی	-۰.۰۷۵	۵۴.۶۴۵



شکل ۵: ماتریس اهمیت - عملکرد مدل ساختاری پژوهش

در پایان، آزمون کلی فرضیه‌های پژوهش نشان داد از میان ۲۱ فرضیه بررسی شده، ۱۸ فرضیه مورد تأیید قرار گرفت و تنها ۳ فرضیه، مربوط به اثر سن، جنسیت و وضعیت تأهل بر گرایش به جرم و بزهکاری، رد شد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: بررسی و تحلیل فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	B	Sig	نوع اثر	اندازه اثر	رابطه
احساس تنهایی بر انزوای اجتماعی اثر مستقیم دارد.	۰.۶۴۲	۰.۰۰۱	معنی‌دار و مثبت	بزرگ	تأیید
احساس تنهایی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	۰.۱۲۱	۰.۰۰۳	معنی‌دار و مثبت	کوچک	تأیید
اعتماد اجتماعی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۱۱۶	۰.۰۰۱	معنی‌دار و منفی	ناچیز	تأیید
اعتماد اجتماعی بر سرمایه اجتماعی اثر مستقیم دارد.	۰.۶۸۴	۰.۰۰۱	معنی‌دار و مثبت	بزرگ	تأیید
انزوای اجتماعی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	۰.۱۱۲	۰.۰۰۳	معنی‌دار و مثبت	ناچیز	تأیید
انسجام اجتماعی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۱۳۱	۰.۰۰۱	معنی‌دار و منفی	کوچک	تأیید
حمایت اجتماعی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۷۵	۰.۰۲۲	معنی‌دار و منفی	ناچیز	تأیید
حمایت اجتماعی بر نشاط اجتماعی اثر مستقیم دارد.	۰.۵۷۵	۰.۰۰۱	معنی‌دار و مثبت	بزرگ	تأیید
دینداری بر انسجام اجتماعی اثر مستقیم دارد.	۰.۵۷۰	۰.۰۰۱	معنی‌دار و مثبت	بزرگ	تأیید
دینداری بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۸۱	۰.۰۲۰	معنی‌دار و منفی	ناچیز	تأیید
سرمایه اجتماعی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۸۷	۰.۰۲۱	معنی‌دار و منفی	ناچیز	تأیید

فردگرایی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	۰.۰۶۷	۰.۰۱۷	معنی‌دار و مثبت	ناچیز	تأیید
فردگرایی بر همگرایی اجتماعی اثر مستقیم دارد.	-۰.۴۱۹	۰.۰۰۱	معنی‌دار و منفی	متوسط	تأیید
نشاط اجتماعی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۷۵	۰.۰۴۵	معنی‌دار و منفی	ناچیز	تأیید
همگرایی اجتماعی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۷۵	۰.۰۲۵	معنی‌دار و منفی	ناچیز	تأیید
سن بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۱۲	۰.۰۹۴	غیرمعنی‌دار	—	رد
سکونت بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۵۰	۰.۰۰۱	معنی‌دار و منفی	—	تأیید
تحصیلات بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	۰.۸۱۶	۰.۰۰۱	معنی‌دار و مثبت	—	تأیید
وضعیت اشتغال بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	۰.۸۲۳	۰.۰۰۱	معنی‌دار و مثبت	—	تأیید
جنسیت بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	-۰.۰۶۶	۰.۰۵۹	غیرمعنی‌دار	—	رد
وضعیت تأهل بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	۰.۰۴۹	۰.۰۶۷	غیرمعنی‌دار	—	رد
پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر جرم و بزهکاری اثر مستقیم دارد.	۰.۹۹۸	۰.۰۰۱	معنی‌دار و مثبت	—	تأیید

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مدل ساختاری طراحی شده برای تبیین گرایش به جرم و بزهکاری از قدرت تبیین بالایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که ۷۳.۱ درصد از واریانس گرایش به جرم و بزهکاری توسط مجموعه متغیرهای اجتماعی و زمینه‌ای مدل تبیین شد و مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر با ۰.۷۲۵ به دست آمد. همچنین، از میان ۲۱ فرضیه آزمون شده، ۱۸ فرضیه تأیید و تنها سه فرضیه مربوط به اثر سن، جنسیت و وضعیت تأهل رد شدند. این الگو نشان می‌دهد که در جامعه مورد مطالعه، گرایش به جرم و بزهکاری بیش از آنکه صرفاً تابع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی باشد، با کیفیت پیوندهای اجتماعی، میزان برخورداری فرد از حمایت و اعتماد، سطح انسجام و سرمایه اجتماعی و نیز تجربه تنهایی، انزوا و فردگرایی ارتباط دارد. این نتیجه با رویکرد جامعه‌شناختی به انحراف سازگار است که جرم را نه صرفاً پیامد ویژگی‌های فردی، بلکه محصول نحوه ادغام فرد در ساختار روابط اجتماعی تلقی می‌کند (Mohseni, 2019). از همین منظر، یافته‌های پژوهش را می‌توان در امتداد دیدگاه دورکیم تفسیر کرد که بر نقش انسجام، قواعد مشترک و قدرت تنظیم‌کنندگی جامعه در کنترل رفتار تأکید دارد (Durkheim, 2014). همچنین، اصل روش‌شناختی تبیین امر اجتماعی با امر اجتماعی، که در رویکرد دورکیمی برجسته است، از این نتیجه حمایت می‌کند که برای توضیح گرایش به جرم باید متغیرهایی نظیر اعتماد، حمایت، انسجام، شبکه‌های اجتماعی و احساس تعلق را در مرکز تحلیل قرار داد (Durkheim, 2019).

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، اثر مثبت و معنادار احساس تنهایی بر گرایش به جرم و بزهکاری و نیز اثر بسیار قوی آن بر انزوای اجتماعی بود. ضریب مسیر احساس تنهایی به انزوای اجتماعی برابر با ۰.۶۴۲ و ضریب مسیر آن به گرایش به جرم و بزهکاری برابر با ۰.۱۲۱ بود. افزون بر این، در تحلیل اهمیت-عملکرد، احساس تنهایی با اثر کل ۰.۱۹۲ بالاترین اهمیت را در میان سازه‌های اصلی مدل نشان داد. این یافته بیانگر آن است که احساس تنهایی را نباید صرفاً یک تجربه هیجانی شخصی تلقی کرد، بلکه در زمینه جرم و بزهکاری می‌تواند شاخصی از ضعف ادغام اجتماعی و گسست فرد از شبکه‌های معنادار ارتباطی باشد. هنگامی که فرد احساس می‌کند از حمایت، پذیرش و ارتباط مؤثر با دیگران محروم است، احتمال دارد تعلق او به قواعد جمعی و تعهدش به هنجارهای اجتماعی نیز کاهش یابد. این تبیین با چارچوب نظری دورکیم درباره پیامدهای تضعیف پیوندهای اجتماعی سازگار است (Durkheim, 2014). همچنین، یافته‌های نبوی و همکاران درباره نقش ازخودبیگانگی در شکل‌گیری رفتارهای وندالیستی نشان می‌دهد که تجربه فاصله‌گیری فرد از محیط اجتماعی می‌تواند با رفتارهای انحرافی همراه شود (Nabavi et al., 2011). هر چند ازخودبیگانگی و تنهایی مفاهیمی کاملاً یکسان نیستند، هر دو به نوعی تضعیف رابطه فرد با محیط اجتماعی اشاره دارند و در این معنا می‌توانند سازوکار مشترکی در افزایش آمادگی برای رفتارهای هنجارشکن داشته باشند.

انزوای اجتماعی نیز در پژوهش حاضر اثر مثبت و معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری نشان داد. این نتیجه تأیید می‌کند که کاهش تعاملات اجتماعی و محدود شدن ارتباط فرد با شبکه‌های واقعی می‌تواند احتمال گرایش به رفتارهای انحرافی را افزایش دهد. در سطح نظری، این یافته

با دیدگاه‌هایی همسو است که کنترل اجتماعی غیررسمی را برآمده از حضور مستمر فرد در شبکه‌های اجتماعی و مواجهه با انتظارات هنجاری دیگران می‌داند. هرچه فرد از روابط خانوادگی، خویشاوندی، دوستی و محله‌ای فاصله بیشتری بگیرد، میزان مواجهه او با بازخوردهای اجتماعی، تعهدات متقابل و نظارت غیررسمی کاهش می‌یابد. پژوهش برناسکو و همکاران نیز نشان داده است که الگوهای تعامل اجتماعی و ویژگی‌های شبکه‌ای محیط می‌توانند با رفتار مجرمانه ارتباط داشته باشند و تعاملات اجتماعی باید به‌عنوان یکی از عناصر تبیین جرم در نظر گرفته شوند (Bernasco et al., 2017). مطالعه باستانی و نیکزاد نیز نشان داد که شبکه‌های فردی و روابط محلی با میزان دلبستگی به محله ارتباط دارند (Bastani & Nikzad, 2014). از این منظر، می‌توان استنباط کرد که ضعف شبکه‌های محلی و کاهش دلبستگی اجتماعی می‌تواند سازوکارهای کنترل غیررسمی را نیز تضعیف کند.

در مقابل، اعتماد اجتماعی در این پژوهش رابطه‌ای منفی و معنادار با گرایش به جرم و بزهکاری داشت و در عین حال اثر مثبت و بسیار قوی بر سرمایه اجتماعی نشان داد؛ به‌گونه‌ای که ضریب مسیر اعتماد اجتماعی به سرمایه اجتماعی برابر با ۰.۶۸۴ و اندازه اثر آن نیز در سطح بزرگ قرار گرفت. این یافته نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی نه تنها به‌طور مستقیم با کاهش گرایش به جرم مرتبط است، بلکه می‌تواند از طریق تقویت سرمایه اجتماعی نیز آثار غیرمستقیم مهمی ایجاد کند. اعتماد موجب کاهش عدم اطمینان در روابط، افزایش آمادگی برای همکاری، تقویت کنش متقابل و افزایش احساس تعلق به جمع می‌شود. این نتیجه با یافته‌های باستانی و همکاران درباره رابطه میان سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین‌شخصی همسو است؛ آنان نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند بستری برای توسعه اعتماد و منابع اجتماعی حاصل از روابط متقابل فراهم کنند (Bastani et al., 2008). همچنین، از دیدگاه نظری، اعتماد یکی از اجزای کلیدی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و در رویکردهای بورديو، کلمن و پاتنام، شبکه‌های اجتماعی هنگامی به منبع قابل استفاده برای افراد و گروه‌ها تبدیل می‌شوند که روابط موجود از سطح مناسبی از اعتماد و هنجارهای همکاری برخوردار باشند (Tzanakis, 2013). بنابراین، اثر منفی اعتماد اجتماعی بر بزهکاری را می‌توان در چارچوب افزایش هزینه اجتماعی تخطی از هنجارها و تقویت احساس تعهد متقابل تفسیر کرد.

سرمایه اجتماعی نیز مطابق انتظار اثر منفی و معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری نشان داد. این یافته با بخش قابل توجهی از پژوهش‌های پیشین همسو است. میرخلیلی و حیدری نشان دادند که میان سرمایه اجتماعی و کاهش بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد، مشارکت، حمایت و انسجام می‌توانند نقش بازدارنده در برابر بزهکاری ایفا کنند (Mir-Khalili & Heydari, 2020). نتیجه حاضر همچنین با این دیدگاه سازگار است که سرمایه اجتماعی از طریق گسترش شبکه‌های متقابل، افزایش مسئولیت‌پذیری و تقویت دسترسی افراد به منابع حمایتی، احتمال انحراف از هنجارهای جمعی را کاهش می‌دهد (Tzanakis, 2013). شبکه‌ای که در آن اعتماد و تعامل مستمر وجود داشته باشد، فرد را در معرض انتظارات اجتماعی بیشتری قرار می‌دهد و احتمال آنکه رفتار خود را مستقل از واکنش دیگران تنظیم کند، کاهش می‌یابد. از همین رو، سرمایه اجتماعی را می‌توان یکی از سازوکارهای اصلی تبدیل شبکه‌های واقعی به کنترل اجتماعی غیررسمی دانست.

انسجام اجتماعی نیز اثر منفی و معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری داشت و از میان مسیرهای مستقیم منتهی به متغیر وابسته، یکی از ضرایب منفی برجسته را نشان داد. این یافته با نظریه‌های نظم اجتماعی و انسجام جمعی همخوان است. چلبی تأکید می‌کند که نظم اجتماعی زمانی پایدارتر است که میان اعضای جامعه پیوندهای متقابل، هنجارهای مشترک و زمینه‌های همبستگی وجود داشته باشد (Chalabi, 2013). بر همین اساس، انسجام اجتماعی موجب می‌شود افراد خود را بخشی از یک کل جمعی تلقی کنند و نسبت به پیامدهای رفتار خود برای دیگران حساس‌تر باشند. در چارچوب دورکیمی نیز همبستگی و ادغام اجتماعی از مهم‌ترین سازوکارهای تنظیم رفتار به شمار می‌روند (Durkheim, 2014). یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این منطق نظری در بافت مورد مطالعه نیز قابل مشاهده است؛ هرچه سطح انسجام اجتماعی بیشتر بوده، گرایش به جرم و بزهکاری کاهش یافته است. افزون بر این، دینداری اثر مثبت و معناداری بر انسجام اجتماعی

داشت که نشان می‌دهد بخشی از اثر عوامل فرهنگی و ارزشی می‌تواند از طریق افزایش اشتراک هنجاری و تقویت احساس تعلق جمعی اعمال شود.

حمایت اجتماعی نیز اثر منفی و معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری نشان داد و هم‌زمان اثر مثبت قابل‌توجهی بر نشاط اجتماعی داشت. ضریب مسیر حمایت اجتماعی به نشاط اجتماعی برابر با ۰.۵۷۵ و اندازه اثر آن در سطح بزرگ بود. این یافته نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی می‌تواند هم مستقیماً احتمال گرایش به جرم را کاهش دهد و هم با افزایش احساس مثبت نسبت به زندگی اجتماعی، آثار غیرمستقیم داشته باشد. نتیجه حاضر با یافته‌های دلپسند و همکاران همسو است که در مقایسه جوانان مجرم و عادی نشان دادند حمایت اجتماعی در ابعاد مختلف عاطفی، مادی و اطلاعاتی نقش مهمی در تمایز این دو گروه دارد (Delpasand et al., 2012). همچنین، اوزدمیر و همکاران در مطالعه‌ای جدید نشان دادند که حمایت اجتماعی و علاقه اجتماعی با بزهکاری نوجوانان ارتباط دارند و کاهش دسترسی به حمایت می‌تواند با افزایش احتمال رفتارهای بزهکارانه همراه باشد (Özdemir et al., 2025). این همسویی میان یافته‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی را می‌توان یکی از عوامل محافظتی نسبتاً پایدار در برابر بزهکاری دانست.

دینداری در پژوهش حاضر اثر منفی و معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری داشت و افزون بر آن، رابطه‌ای مثبت و معنادار با انسجام اجتماعی نشان داد. این نتیجه را می‌توان از دو مسیر تفسیر کرد. نخست، دینداری می‌تواند با تقویت مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی و هنجاری، هزینه روانی و ارزشی تخطی از قواعد را افزایش دهد. دوم، مشارکت در اجتماعات و آیین‌های دینی ممکن است فرصت بیشتری برای ایجاد روابط اجتماعی، احساس تعلق و انسجام فراهم سازد. در این چارچوب، اثر دینداری بر بزهکاری لزوماً صرفاً فردی یا اعتقادی نیست، بلکه بخشی از آن می‌تواند از طریق پیوندهای اجتماعی حاصل از اشتراک ارزش‌ها عمل کند. این تفسیر با رویکرد کلی جامعه‌شناسی نظم همخوان است که اشتراک ارزشی و تعهد هنجاری را از عوامل تثبیت روابط اجتماعی می‌داند (Chalabi, 2013). همچنین، رابطه میان تعهد اجتماعی و کاهش بزهکاری در مطالعه مبارک و همکاران نشان می‌دهد که هرچه افراد نسبت به ارزش‌ها و الزامات اجتماعی متعهدتر باشند، احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد (Mobarak et al., 2018).

فردگرایی در این مطالعه اثر مثبت و معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری و اثر منفی معناداری بر هم‌رنگی اجتماعی داشت. این یافته نشان می‌دهد که افزایش جهت‌گیری فردگرایانه، در صورتی که با کاهش تعلق و مسئولیت متقابل همراه باشد، می‌تواند فرد را از فشار هنجاری شبکه‌های اجتماعی دور سازد. از سوی دیگر، رابطه منفی فردگرایی با هم‌رنگی اجتماعی بیانگر آن است که افراد دارای گرایش فردگرایانه‌تر احتمالاً کمتر رفتار و نگرش خود را با انتظارات جمعی هماهنگ می‌کنند. البته فردگرایی فی‌نفسه مترادف انحراف نیست، اما در بافت این پژوهش، زمانی که با کاهش پیوندهای جمعی همراه می‌شود، می‌تواند زمینه افزایش آمادگی برای تخطی از قواعد را فراهم سازد. این یافته با مباحث سرمایه اجتماعی سازگار است که بر اهمیت روابط، تعهدات و شبکه‌های متقابل در تنظیم رفتار تأکید دارند (Tzanakis, 2013). همچنین، دیدگاه دورکیمی درباره تضعیف وجدان جمعی می‌تواند چارچوبی برای تبیین رابطه میان افراط در فردگرایی و کاهش کنترل اجتماعی غیررسمی فراهم سازد (Durkheim, 2014).

نشاط اجتماعی و هم‌رنگی اجتماعی نیز هر دو اثر منفی و معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری داشتند. هرچند اندازه اثر مستقیم این دو متغیر نسبت به برخی سازه‌های دیگر محدودتر بود، معناداری مسیرها نشان می‌دهد که تجربه مثبت از زندگی اجتماعی و میزان هماهنگی با قواعد و انتظارات جمعی می‌توانند بخشی از گرایش افراد به رفتارهای انحرافی را توضیح دهند. نشاط اجتماعی را می‌توان نشانه‌ای از احساس رضایت از عضویت در جامعه و دسترسی به روابط حمایتگر تلقی کرد. در مقابل، کاهش نشاط ممکن است همراه با بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی یا فاصله‌گیری از محیط اجتماعی باشد. حمایت اجتماعی نیز در مدل حاضر اثر قابل‌توجهی بر نشاط داشت و این امر نشان می‌دهد که تجربه مثبت اجتماعی تا حدی در بستر روابط حمایتی شکل می‌گیرد. چنین الگویی با مطالعات شبکه‌ای که نشان داده‌اند کیفیت روابط اجتماعی می‌تواند بر انگیزش، نگرش و رفتار افراد اثر بگذارد، همخوانی دارد (Bastani & Beheshti Zavareh, 2015).

نتایج مربوط به متغیرهای زمینه‌ای نیز تصویری پیچیده‌تر ارائه کرد. سن، جنسیت و وضعیت تأهل اثر معناداری بر گرایش به جرم و بزهکاری نشان ندادند، در حالی که محل سکونت، تحصیلات، وضعیت اشتغال و پایگاه اجتماعی-اقتصادی معنادار بودند. این نتیجه نشان می‌دهد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ساده به‌تنهایی برای توضیح بزهکاری کافی نیستند و شرایط اجتماعی و اقتصادی باید در تعامل با شبکه روابط فرد مورد توجه قرار گیرند. یافته‌های اسکندری چراتی نشان داده بود که عوامل اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی می‌توانند در بزهکاری نوجوانان نقش داشته باشند (Eskandari Cherati, 2017). همچنین، صفری و همکاران نقش عوامل خانوادگی را در نوع و میزان بزهکاری زنان زندانی در کرمانشاه نشان داده‌اند (Saffari et al., 2025). با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حتی با حضور متغیرهای زمینه‌ای، سازه‌های رابطه‌ای نظیر تنهایی، اعتماد، انسجام و حمایت همچنان نقش مستقل و معناداری دارند. بنابراین، رویکردهای مبتنی بر یک علت واحد، چه اقتصادی و چه جمعیت‌شناختی، احتمالاً توان کافی برای تبیین پیچیدگی گرایش به جرم ندارند.

یافته‌های این پژوهش همچنین با رویکردهای جدیدی همخوان است که بزهکاری را محصول تعامل مجموعه‌ای از عوامل در طول زمان می‌دانند. فاگان و همکاران در مطالعه طولی خود نشان دادند که عوامل خطر اولیه از طریق مجموعه‌ای از مسیرهای میانجی و تعدیل‌کننده با بزهکاری نوجوانی مرتبط می‌شوند (Fagan et al., 2025). فاطیما نیز بر ماهیت چندعاملی بزهکاری و نقش هم‌زمان عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید کرده است (Fatima, 2025). از سوی دیگر، پژوهش‌های مربوط به اثر همسالان نشان می‌دهند که شبکه اجتماعی ممکن است در شرایط مختلف هم نقش حفاظتی و هم نقش خطرزا ایفا کند. سان و ژانگ نشان داده‌اند که اثر همسالان بر بزهکاری جوانان تحت تأثیر کیفیت محیط آموزشی قرار می‌گیرد (Sun & Zhang, 2025) و تو و همکاران نیز تعامل میان انتخاب همسالان، نفوذ آنان، پرخاشگری و بزهکاری غیرپرخاشگرانه را گزارش کرده‌اند (Tu et al., 2025). بنابراین، یافته پژوهش حاضر را نباید به این معنا تفسیر کرد که هر نوع شبکه اجتماعی الزاماً بزهکاری را کاهش می‌دهد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد کیفیت شبکه، میزان اعتماد، حمایت، انسجام و محتوای هنجاری روابط است.

همچنین، یافته‌های تلو درباره هم‌وقوعی مصرف مواد و اشکال مختلف بزهکاری نشان می‌دهد که رفتارهای بزهکارانه می‌توانند در قالب الگوهای پیچیده و چندبعدی شکل گیرند (Tello, 2025). این نکته با تعریف گرایش به جرم و بزهکاری در پژوهش حاضر سازگار است؛ زیرا متغیر وابسته تنها به وقوع یک رفتار مجرمانه خاص محدود نشده، بلکه آمادگی نگرشی و رفتاری نسبت به طیفی از رفتارهای انحرافی را دربر گرفته است. از سوی دیگر، گسترش روابط در فضای دیجیتال نیز شکل‌های جدیدی از تعامل و فرصت‌های جرم را ایجاد کرده است و ادبیات جرم‌شناسی سایبری نشان می‌دهد که ماهیت شبکه در فضای مجازی می‌تواند با سازوکارهای متفاوتی نسبت به شبکه‌های واقعی بر رفتار اثر بگذارد (Jaishankar, 2011). از این رو، یکی از نقاط قوت پژوهش حاضر تمرکز مشخص بر شبکه‌های اجتماعی واقعی و روابط چهره‌به‌چهره است؛ حوزه‌ای که در مقایسه با حجم مطالعات مربوط به شبکه‌های مجازی، کمتر در قالب یک مدل ساختاری چندمتغیره بررسی شده است. در مجموع، الگوی یافته‌ها نشان می‌دهد که گرایش به جرم و بزهکاری در جامعه مورد مطالعه در بستری از پیوندهای اجتماعی شکل می‌گیرد. متغیرهایی که نشانه ادغام و پیوستگی اجتماعی‌اند، از جمله اعتماد، انسجام، سرمایه اجتماعی، حمایت، دینداری، نشاط و همرنگی، با کاهش گرایش به جرم همراه بودند و متغیرهایی که نشانگر فاصله‌گیری فرد از محیط اجتماعی‌اند، یعنی احساس تنهایی، انزوای اجتماعی و فردگرایی، رابطه‌ای افزایشی با بزهکاری نشان دادند. اهمیت بالایی احساس تنهایی در تحلیل اهمیت-عملکرد نیز نشان می‌دهد که تجربه ذهنی گسست اجتماعی می‌تواند حلقه‌ای کلیدی در تبدیل ضعف شبکه‌های واقعی به گرایش بیشتر به جرم باشد. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر ضمن تأیید بسیاری از یافته‌های پیشین درباره سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی و انسجام، بر ضرورت توجه بیشتر به احساس تنهایی و انزوای اجتماعی به‌عنوان سازوکارهای مرکزی در تبیین بزهکاری تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که کنترل اجتماعی غیررسمی حاصل از شبکه‌های واقعی می‌تواند یکی از عناصر مهم در فهم تفاوت‌های فردی و محلی در گرایش به جرم باشد.

یکی از محدودیت‌های اصلی پژوهش حاضر، مقطعی بودن طرح پژوهش است که امکان استنباط قطعی درباره جهت علی روابط میان شبکه‌های اجتماعی، احساس تنهایی، انزوای اجتماعی و گرایش به جرم را محدود می‌کند. همچنین، داده‌ها بر اساس پرسشنامه خودگزارشی گردآوری شده‌اند و با توجه به حساسیت موضوع جرم و بزهکاری، احتمال سوگیری مطلوبیت اجتماعی یا کم‌گزارشی برخی نگرش‌ها و رفتارها وجود دارد. تمرکز جغرافیایی مطالعه بر چهار شهرستان پاره، روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی نیز تعمیم مستقیم یافته‌ها به سایر مناطق کشور، به‌ویژه کلان‌شهرها یا مناطق دارای ساختارهای اجتماعی متفاوت، را محدود می‌سازد. علاوه بر این، گرچه مدل حاضر مجموعه نسبتاً گسترده‌ای از متغیرهای اجتماعی و روان‌شناختی را دربر گرفته است، برخی عوامل بالقوه مؤثر مانند تجربه مستقیم قربانی‌شدن، کیفیت روابط خانوادگی، نوع شبکه همسالان، سابقه تماس با نظام عدالت کیفری و ویژگی‌های محیط محله به‌طور مستقیم وارد مدل نشده‌اند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از طرح‌های طولی استفاده شود تا تغییرات شبکه‌های اجتماعی و گرایش به جرم در طول زمان بررسی و جهت روابط میان متغیرها با دقت بیشتری مشخص شود. انجام مطالعات مقایسه‌ای میان شهرستان‌های کوچک، کلان‌شهرها، مناطق روستایی و گروه‌های قومی و فرهنگی مختلف می‌تواند میزان تعمیم‌پذیری الگوی به‌دست‌آمده را روشن سازد. همچنین، پیشنهاد می‌شود نقش میانجی احساس تنهایی و انزوای اجتماعی به‌صورت اختصاصی‌تر در مدل‌های آینده آزمون شود و داده‌های خودگزارشی با داده‌های رسمی جرم، مصاحبه‌های کیفی یا تحلیل شبکه اجتماعی ترکیب شوند. بررسی تفاوت میان شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی و مطالعه هم‌زمان کیفیت، اندازه، تراکم و ترکیب شبکه‌های فردی نیز می‌تواند به توسعه مدل نظری دقیق‌تری از ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و بزهکاری منجر شود. استفاده از مدل‌های چندسطحی که متغیرهای فردی را در کنار ویژگی‌های محله، خانواده و جامعه محلی بررسی کنند نیز می‌تواند درک کامل‌تری از فرایندهای مؤثر بر گرایش به جرم فراهم آورد.

از نظر کاربردی، یافته‌های پژوهش ضرورت تقویت راهبردهای پیشگیری اجتماعی از جرم را نشان می‌دهد. سیاست‌گذاران محلی می‌توانند در کنار مداخلات اقتصادی و انتظامی، بر تقویت شبکه‌های واقعی تعامل اجتماعی، افزایش فرصت‌های مشارکت محلی، توسعه فعالیت‌های جمعی و کاهش احساس تنهایی و انزوای اجتماعی تمرکز کنند. طراحی برنامه‌های محله‌محور، ایجاد فضاهای تعامل اجتماعی، حمایت از انجمن‌های داوطلبانه، تقویت خدمات مشاوره‌ای و حمایت اجتماعی، توسعه برنامه‌های مشارکت جوانان و افزایش دسترسی افراد منزوی به شبکه‌های حمایتی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. مدارس، مراکز فرهنگی، نهادهای محلی و سازمان‌های اجتماعی نیز می‌توانند با تقویت اعتماد، انسجام و احساس تعلق جمعی، به افزایش ظرفیت کنترل اجتماعی غیررسمی کمک کنند. همچنین، با توجه به اهمیت احساس تنهایی در مدل، شناسایی افراد در معرض انزوای اجتماعی و فراهم کردن فرصت برای پیوند مجدد آنان با خانواده، همسالان و اجتماع محلی می‌تواند به‌عنوان یکی از محورهای اصلی برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری در نظر گرفته شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

۲۰

Introduction

Crime and delinquency are complex social phenomena that cannot be adequately explained solely by individual psychological characteristics or economic deprivation. From a sociological perspective, criminal and delinquent tendencies emerge within networks of social relations, normative structures, patterns of social integration, and mechanisms of formal and informal control. Sociology of deviance therefore considers crime as a phenomenon embedded in the broader organization of society and emphasizes the effects of social cohesion, social commitment, social support, interpersonal trust, and community attachment on behavioral regulation (Mohseni, 2019). Similarly, social pathology perspectives underline that delinquency is shaped through the interaction of personal characteristics with family, peer, neighborhood, and institutional environments (Sotoudeh, 2014). The theoretical foundation of this argument can be traced to Durkheim, who viewed social integration and moral regulation as essential conditions for social order and argued that weakening collective norms and social bonds could facilitate anomie conditions and deviant behavior (Durkheim, 2014). His methodological emphasis on explaining social facts through other social facts further supports analyzing criminal tendencies through relational and structural variables rather than reducing them to individual dispositions (Durkheim, 2019). From the sociology of order perspective, stable social relationships, reciprocal obligations, shared norms, and informal mechanisms of regulation constitute fundamental resources for maintaining social order (Chalabi, 2013). Contemporary social capital theory similarly highlights the importance of networks, trust, reciprocity, and access to relational resources. Despite theoretical differences among Bourdieu, Coleman, and Putnam, their approaches converge on the proposition that social networks can provide resources that enhance cooperation, collective efficacy, and normative regulation (Tzanakis, 2013). Empirical research in Iran has demonstrated that network-based social capital is associated with interpersonal trust (Bastani et al., 2008), while local social networks are related to neighborhood attachment and individuals' integration into their immediate social environments (Bastani & Nikzad, 2014). Network structures have also been found to influence motivation and behavior in organizational contexts, illustrating that social networks are not merely channels of communication but structures capable of shaping attitudes and conduct (Bastani & Beheshti Zavareh, 2015). The relevance of these relationships to crime has also been supported internationally. Social interactions and neighborhood-level relational patterns have been associated with differences in offending behavior, indicating that both the structure and quality of social interactions can influence criminal conduct (Bernasco et al., 2017). Iranian studies have likewise documented inverse relationships between social capital and delinquency (Mir-Khalili & Heydari, 2020), between social support and offending (Delpasand et al., 2012), and between social commitment and delinquent behavior (Mobarak et al., 2018). Alienation and weakened social integration have also been associated with vandalistic behavior among students (Nabavi et al., 2011), while economic, familial, and cultural factors have been identified as significant determinants of juvenile delinquency (Eskandari Cherati, 2017). More recent research continues to emphasize the multidimensional nature of delinquency, including the roles of early-life risk, family context,

peer relationships, and social environments (Fagan et al., 2025; Fatima, 2025). Social support and social interest have been identified as potentially protective factors against juvenile delinquency (Özdemir et al., 2025), whereas family-related conditions remain influential in explaining differences in the extent and type of offending (Saffari et al., 2025). Peer networks are particularly important because they may either reinforce conformity or facilitate delinquent conduct, depending on their normative content and the wider institutional environment (Sun & Zhang, 2025; Tu et al., 2025). Evidence concerning the co-occurrence of substance use and delinquency further demonstrates that delinquent behavior is multidimensional rather than a single, homogeneous phenomenon (Tello, 2025). At the same time, the expansion of online interaction has redirected considerable criminological attention toward virtual networks and cybercrime (Jaishankar, 2011), leaving the role of real, face-to-face social networks relatively underexamined within integrated structural models. Against this background, the present study investigated the relationship between real social networks and tendency toward crime and delinquency among citizens of Paveh, Ravansar, Javanrud, and Salas-e Babajani counties, with particular attention to social support, social trust, social cohesion, social capital, religiosity, social vitality, social conformity, individualism, loneliness, and social isolation.

Methods and Materials

This study employed a quantitative approach and a cross-sectional field survey design. The statistical population consisted of citizens aged over 18 years residing in Paveh, Ravansar, Javanrud, and Salas-e Babajani counties. The minimum sample size was initially estimated at 384 participants using Cochran's formula at a 95% confidence level and a 5% margin of error. To compensate for incomplete questionnaires and to improve the stability of structural estimates, a larger number of questionnaires was collected. A total of 548 questionnaires were returned, of which 48 were excluded because of missing data; consequently, the final analysis was based on 500 complete questionnaires. Data were collected using a researcher-developed questionnaire containing 231 items. Six items measured demographic characteristics, including gender, age, county of residence, marital status, educational level, and employment status, while 225 items assessed the substantive constructs of the study. The questionnaire measured loneliness, social trust, social isolation, social cohesion, tendency toward crime and delinquency, social support, religiosity, individualism, social vitality, social conformity, and social capital using a five-point Likert scale. Socioeconomic status was constructed from standardized indicators of education and employment. Because the conceptual model incorporated multiple direct and indirect relationships among latent constructs, partial least squares structural equation modeling was employed for data analysis, while complementary descriptive statistics were calculated using SPSS. Measurement quality was assessed using Cronbach's alpha, composite reliability, average variance extracted, factor loadings, cross-loadings, and the heterotrait-monotrait ratio. Reliability coefficients ranged from 0.951 to 0.986, average variance extracted ranged from 0.650 to 0.722, factor loadings ranged from 0.780 to 0.877, and all heterotrait-monotrait values remained below 0.85, supporting convergent and discriminant validity. The final structural model demonstrated acceptable fit, with an SRMR of 0.078 and an NFI of 0.927.

Findings

The results of the structural analysis demonstrated that the model explained a substantial proportion of variance in tendency toward crime and delinquency. The coefficient of determination was 0.731 and the adjusted coefficient was 0.725, indicating that 73.1% of the variance in the dependent variable was accounted for by the structural model. Predictive relevance was also strong, with a cross-validated redundancy value of 0.504. Loneliness exerted a significant positive effect on tendency toward crime and delinquency ($\beta=0.121$, $t=3.016$, $p=0.003$), while its effect on social isolation was considerably stronger ($\beta=0.642$, $t=23.399$, $p=0.001$). Social isolation also had a significant positive effect on crime and delinquency tendency ($\beta=0.112$, $t=2.940$, $p=0.003$). Individualism was positively associated with crime and delinquency tendency ($\beta=0.067$, $t=2.399$, $p=0.017$) and negatively associated with social conformity ($\beta=-0.419$, $t=12.796$, $p=0.001$). In contrast, social trust

showed a significant negative effect on crime and delinquency tendency ($\beta=-0.116$, $t=3.304$, $p=0.001$) and a strong positive effect on social capital ($\beta=0.684$, $t=29.183$, $p=0.001$). Social cohesion negatively predicted crime and delinquency tendency ($\beta=-0.131$, $t=3.763$, $p=0.001$). Social support had a negative direct effect on crime and delinquency tendency ($\beta=-0.075$, $t=2.287$, $p=0.022$) and a strong positive effect on social vitality ($\beta=0.575$, $t=18.757$, $p=0.001$). Religiosity negatively predicted crime and delinquency tendency ($\beta=-0.081$, $t=2.327$, $p=0.020$) and positively predicted social cohesion ($\beta=0.570$, $t=19.066$, $p=0.001$). Social capital also had a significant negative effect on the dependent variable ($\beta=-0.087$, $t=2.318$, $p=0.021$), as did social vitality ($\beta=-0.075$, $t=2.007$, $p=0.045$) and social conformity ($\beta=-0.075$, $t=2.246$, $p=0.025$). Among the background variables, county of residence, education, employment status, and socioeconomic status showed statistically significant relationships with crime and delinquency tendency, whereas age, gender, and marital status were not significant. Effect-size analysis identified particularly strong effects for loneliness on social isolation ($f^2=0.701$), social trust on social capital ($f^2=0.881$), social support on social vitality ($f^2=0.493$), and religiosity on social cohesion ($f^2=0.482$). Importance-performance analysis further identified loneliness as the most influential construct, with a total effect of 0.192. Overall, 18 of the 21 tested hypotheses were supported, whereas the hypotheses concerning age, gender, and marital status were rejected.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that tendency toward crime and delinquency in the studied communities is deeply embedded in the quality of social relationships and cannot be sufficiently understood through demographic or economic characteristics alone. The consistent direction of the significant structural paths is particularly noteworthy. Constructs representing stronger social integration, including trust, cohesion, social support, social capital, religiosity, social vitality, and social conformity, were associated with lower levels of crime and delinquency tendency. Conversely, constructs reflecting erosion of social connection, particularly loneliness, social isolation, and individualism, increased the tendency toward delinquent behavior. Among these variables, loneliness emerged as especially important because it not only directly increased crime and delinquency tendency but also strongly intensified social isolation and demonstrated the greatest total importance in the model. This pattern suggests that subjective disconnection from meaningful social relationships may constitute a central mechanism through which weakened real-life networks become associated with greater vulnerability to deviant tendencies. The results further indicate that social trust operates both directly and indirectly: it reduces delinquent tendencies while simultaneously strengthening social capital. Likewise, social support appears to have a dual function by directly decreasing delinquency and enhancing social vitality, while religiosity may contribute to lower delinquent tendencies partly through strengthening social cohesion. These interconnections reveal that the protective effects of real social networks should be understood as a system of mutually reinforcing relational resources rather than as isolated predictors. The strong explanatory and predictive performance of the model suggests that informal social control and relational integration constitute substantial components of crime prevention in the studied context. Nevertheless, real social networks should not be interpreted as inherently protective; their influence depends on the quality of relationships, the norms transmitted through them, the level of reciprocal support, and the extent to which they produce trust and belonging. Overall, the study indicates that strengthening meaningful face-to-face social relationships, enhancing trust, cohesion, support, and social capital, and reducing loneliness and social isolation may provide an important foundation for social approaches to crime prevention. In communities characterized by dense local and interpersonal ties, preventive strategies that complement formal criminal justice measures with community participation, social support mechanisms, opportunities for collective engagement, and interventions addressing social isolation may be particularly relevant. The findings therefore support an integrated sociological interpretation in which crime and delinquency tendencies are shaped by the degree to

which individuals remain connected to, supported by, and normatively integrated within their real social environments.

References

- Bastani, S., & Beheshti Zavareh, M. (2015). Social Networks and Work Motivation in Organizations. *Social Analysis of Order and Social Inequality*(68), 1-36.
- Bastani, S., Kamali, A., & Salehi Heykoui, M. (2008). Network Social Capital and Interpersonal Mutual Trust. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University*, 16(61), 41-81.
- Bastani, S., & Nikzad, S. (2014). Individual Social Networks and Neighborhood Attachment in Tehran: With Emphasis on New Communication Tools. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 3(2), 193-219.
- Bernasco, W., de Graaff, T., Rouwendal, J., & Steenbeek, W. (2017). Social Interactions and Crime Revisited: An Investigation Using Individual Offender Data in Dutch Neighborhoods. *Review of Economics and Statistics*, 99(4), 622-636.
- Chalabi, M. (2013). *Sociology of Order: Theoretical Explanation and Analysis of Social Order*. Nashr-e Ney.
- Cohen, J. (2013). *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences*. Routledge.
- Delpasand, K., Ayar, A., Khani, S., & Mohammadi, P. (2012). Social Support and Crime: A Comparative Study of Delinquent and Normal Youth in Ilam. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 1(2), 89-120.
- Durkheim, E. (2014). *The Division of Labour in Society*. Nashr-e Markaz.
- Durkheim, E. (2019). *The Rules of Sociological Method*. University of Tehran Press.
- Eskandari Cherati, A. (2017). A Study of Social, Economic and Cultural Factors Affecting Juvenile Delinquency: Case Study of Male Adolescents Aged 13 to 19 in Azadshahr. *Private and Criminal Law Research (Encyclopedia of Law and Politics)*, 13(34), 185-206.
- Fagan, J., Cabrera, N., & Kobulsky, J. (2025). Longitudinal associations between early risk and adolescent delinquency: Mediators, moderators, and main effects. *Development and Psychopathology*, 37(1), 192-206. <https://doi.org/10.1017/S0954579423001517>
- Fatima, I. (2025). Assessment of the Factors Influencing the Juvenile Delinquency. *Abbdm*, 5(1), 1-10. <https://doi.org/10.62019/abbdm.v5i1.290>
- Jaishankar, K. (2011). *Cyber Criminology: Exploring Internet Crimes and Criminal Behavior*. CRC Press.
- Mir-Khalili, S. M., & Heydari, M. (2020). An Analysis of the Relationship between Social Capital and Delinquency Reduction: Case Study of Students of District 2 in Isfahan. *Social Capital Management*, 7(2), 292-292.
- Mobarak, M., Afshani, S. A., & Kordalivand, S. (2018). An Analysis of the Relationship between Social Commitment and Delinquency: A Comparative Study among High School Students in Khorramabad and Yazd. *Quarterly Journal of Iranian Social Studies*, 12(2), 111-135.
- Mohseni, M. (2019). *Sociology of Social Deviations*. Tahouri Publications.
- Nabavi, S. A. H., Moltafet, H., & Baratian, A. (2011). A Study of Factors Affecting the Occurrence of Vandalistic Behaviors among High School Students in Izeh. *Quarterly Journal of Applied Sociology*, 22(3), 83-100.
- Özdemir, Y., Artan, T., & Arifoglu, A. T. (2025). Role of Social Support and Social Interest in Juvenile Delinquency: A Binary Logistic Regression Study from Türkiye. *Clinical Child Psychology* <https://doi.org/10.1177/13591045251401638>
- Saffari, A., Saberi, R., & Cheraghian, R. (2025). Family factors affecting the extent and type of delinquency among imprisoned women in Kermanshah. *Applied Criminology Research*, 3(9), 1-30.
- Sotoudeh, H. A. (2014). *Social Pathology*. Avaye Noor Publications.
- Sun, G., & Zhang, T. H. (2025). Peer Influence on Youth Delinquency: How Does School-Level Teacher Quality Matter? *Crime & Delinquency*, 71(10), 3391-3416. <https://doi.org/10.1177/00111287231207385>
- Tello, C. M. V. (2025). Illicit Substance Use and Delinquency Among Argentine Adolescents: A Latent Class Analysis. *Journal of Contemporary Criminal Justice*. <https://doi.org/10.1177/10439862251384576>
- Tu, Z. C., Cui, Y., Zhang, W., & Luo, F. (2025). Peer Influence and Selection Impact on Adolescent Aggression: Exploring Nonaggressive Delinquency, Peer Victimization, and Moral Disengagement. *Journal of adolescence*, 97(5), 1344-1359. <https://doi.org/10.1002/jad.12501>
- Tzanakis, M. (2013). Social Capital in Bourdieu's, Coleman's and Putnam's Theory: Empirical Evidence and Emergent Measurement Issues. *Educate~*, 13(2), 2-23.